



رییس سابق اتاق بازرگانی کرمان و ایران از رفتار دلوایسان انتقاد کرد

طغیان جلال‌پور

- کوتاه‌نظران برجام را دستاورد جناحی جلوه دادند
- برجام که اجرایی شد، تخریب گران فضا را مسموم کردند
- بالا رفتن از دیوار سفارت عربستان، آتش زدن برخی برندها و سوءاستفاده از کلمه نفوذ، سرمایه‌گذاران را مردود کرد
- از حداقل‌های امکان استفاده از برجام برای توسعه بهره‌گیری نشد
- همه‌چیز در ایران رنگ و بوی سیاسی گرفته است

غوغای ترامپ. فردی که قبل از انتخابش به‌عنوان رییس‌جمهور آمریکا، بارها با برجام به‌طور علنی مخالفت کرده بود. او حتی تهدید کرده بود که برجام را پاره می‌کند. اگرچه ترامپ پس از رییس‌جمهور شدنش سعی کرده کمی معتدل‌تر صحبت کند اما همچنان در او و مشاورانش مواضع ضد ایرانی و برجام دیده می‌شود. همین مواضع باعث شده تا این سؤال پیش آید که پس از ترامپ، برجام چه عاقبتی خواهد داشت و با توجه به اینکه معاهده‌ای بین‌المللی است، مخالفت‌های ترامپ چه تأثیری بر برجام خواهد داشت. در این میان محسن جلال‌پور، رییس سابق اتاق بازرگانی کرمان و ایران که مردادماه امسال به دلیل بیماری تصمیم گرفت عطای حضور در پارلمان بخش خصوصی ایران را به لقایش ببخشد و پس از آن اتاق بازرگانی کرمان را هم به دوستانش سپرد، معتقد است قبل از اینکه ترامپ بتواند کاری کند که ما نتوانیم از برجام سود لازم را ببریم ...

صفحه ۳

افزایش تعداد نمایندگان استان

کرمان در
مجلس یازدهم
۱۲ نماینده دارد

صفحه ۲

نماینده سیرجان از
توضیحات وزیر نفت
قانع شد

صفحه ۲

اظهار لطف اولین رییس‌رادیوی
کرمان به صفحه «گرمون»:

عشق و علاقه
لازمه

روزنامه نگاری
است

صفحه ۴

انتقاد به برنامه «دور همی» با
هشتک #حق_طلاق:

دادن حق طلاق
به زنان به معنای
گرفتن این حق از
مردان نیست

صفحه ۷



سخنرانی منتقدان دولت در رفسنجان ادامه دارد

شهر هاشمی؛ پایگاه منتقدان دولت

صفحه ۲

فروشی فوری

چرخ گوشت زیر صفر مدل: M300

این چرخ گوشت قادر است بلوک های منجمد ۲۰ کیلویی و لقمه های گوشت منجمد حدود ۵ کیلویی که در دمای ۲۰- درجه سانتی گراد می باشند را بصورت مستقیم خرد و چرخ کند و نیازی به دیفراست گوشت نیست که این عمل از آلودگی گوشت می‌کاهد.

این دستگاه دارای یک ماردون که از دو قسمت تشکیل شده می باشد (قسمت گیوتین و قسمت چرخ)

قطعات این دستگاه کاملاً از جنس استیل ضد زنگ ساخته شده است . ابعاد دستگاه ۱۷۵×۱۲۰×۱۶۵ میلی متر می باشد . و قطر پنجره خروجی ۳۰۰ میلی‌متر است.

قدرت موتور ۱۰۰ اسب بخار و سرعت آن تا ۳۰۰۰ دور بر دقیقه می باشد . بالابر این دستگاه از نوع ستونی که دارای زنجیر سایز ۱۲۰ بوده ، می باشد و ظرفیت ۲۵۰ کیلو گرم بار را دارد.



فروش به بالاترین قیمت پیشنهادی

بازدید: تهران، بعد از پاکدشت، شریف آباد اول کوچه روستای سیاه چشمه

پارکینگ قائم تلفن ۰۹۳۵۵۲۵۰۰۰۵

فراخوان مناقصه

(نوبت اول)

نام مناقصه	موضوع	مدت (روز)	نوع	تضمین شرکت در مناقصه	مبلغ (ریال)	مبلغ (ریال)	میان
نام مناقصه: کرمان - بلوار شهید صدوقی - رو به روی سه راه فارابی - کد پستی ۷۶۱۷۸۹۹۵۹۶ - شماره ملی ۱۴۰۰۰۲۷۵۷۷۵	زیرسازی جاده چاله + گونگاز (احداث و تکمیل محورهای چاله و گونگاز در شهرستان رابر)	۳۶۵	عمومی	۵۳۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	میان
نام مناقصه: کرمان - بلوار شهید صدوقی - رو به روی سه راه فارابی - کد پستی ۷۶۱۷۸۹۹۵۹۶ - شماره ملی ۱۴۰۰۰۲۷۵۷۷۵	بهارسازی و تعریض و روکش آسفالت مهدی آباد واحد فتح آباد + بهسازی و تعریض و روکش آسفالت محور رکن آباد همت آباد بخش صفاتیه + بهسازی و تعریض و روکش آسفالت حسن آباد - رحمت آباد نور آباد کشکویه - بهسازی و روکش آسفالت شریف آباد (شهرستان رفسنجان)	۳۶۵	عمومی	۶۶۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۳,۱۴۱,۸۲۷,۵۰۹	۱۳,۱۴۱,۸۲۷,۵۰۹	میان

تاریخ چاپ نوبت اول: ۹۵/۹/۲۴ و تاریخ چاپ نوبت دوم: ۹۵/۹/۲۵

روابط عمومی اداره کل راه و شهرسازی استان کرمان

دعوت به همکاری

شرکت دیده‌بان نت به منظور تکمیل کادر پرسنل از افراد دارای مدرک کارشناسی کامپیوتر در سراسر استان کرمان دعوت به همکاری می‌نماید

علاقه مندان می‌توانند رزومه کاری خود را به آدرس ذیل ارسال نمایند

job@didi.ir

شماره تماس برای کسب اطلاعات تکمیلی

۰۳۴-۳۶۹۰
۰۳۴-۳۱۲۴۳۰۰۰
داخلی - ۸۳۰

نماینده سیرجان از توضیحات وزیر نفت قانع شد

نماینده مردم سیرجان و بردسیر در مجلس از توضیحات وزیر نفت به شرط حل مشکل گازرسانی تا دی‌ماه سال جاری قانع شد. به گزارش خبرنگار خبرگزاری خانه ملت، شهباز حسن پور بیگلری در نشست علنی دیروز مجلس شورای اسلامی با قول وزیر نفت در خصوص رفع مشکل گازرسانی در حوزه‌های انتخابیه تا آخر دی‌ماه از توضیحات وزیر برای هر دو سؤال قانع شد. اسدالله قهره خانی با اشاره به اجرای ماده ۲۰۹ آیین‌نامه داخلی مجلس و در پاسخ به نامه شماره ۹۷/۲۰۳۱۶ مورخ ۱۳۹۵/۴/۲ هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی، گزارشی از سؤال حسن پور از وزیر نفت را ارائه کرد و گفت: «سؤال فوق در جلسه تاریخ ۱۳۹۵/۶/۷ این کمیسیون با حضور زنگنه وزیر نفت مورد بررسی قرار گرفت. در این جلسه حسن پور نماینده سؤال‌کننده، سؤال خود را بدین شرح مطرح نمود: بند «ی» تبصره ۲ قانون بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور مقرر می‌دارد: وزارت نفت موظف است از طریق شرکت‌های دولتی تابعه ذی‌ربط معادل ارزش ریالی دو میلیون تن قیر رایگان تا سقف ۲۴ هزار میلیارد ریال در اختیار وزارت راه و شهرسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و وزارت آموزش و پرورش قرار دهد. اما در سال گذشته کمتر از ۵۰ درصد این حکم اجرا شده است، چرا وزارت نفت به تکلیف قانونی خویش در این خصوص عمل نمی‌کند؟ وی ادامه داد: «مهندس زنگنه وزیر نفت در پاسخ ابراز داشت: قیر موجود در کشور توسط شرکت‌های خصوصی تولید می‌شود و وزارت نفت قیری در اختیار ندارد که بخواهد آن را به‌صورت رایگان در اختیار دستگاه‌های مذکور قرار دهد و برای اجرای این حکم قانونی لازم است منابع موردنیاز آن در اختیار شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی قرار گیرد اما در سال گذشته تنها حدود ۱۰ هزار میلیارد ریال در اختیار این شرکت قرار گرفته و مابقی آن به‌عنوان یارانه به‌حساب خزانه رفته است.» عضو کمیسیون انرژی مجلس افزود: «زنگنه همچنین متذکر شد که تغییر در ارقام و ردیف‌های بودجه نیز نیاز به تأیید سازمان برنامه‌بودجه دارد و چنانچه وزارت نفت رقمی مازاد بر ارقام مشخص شده در بودجه برای این امر هزینه کند، باید پاسخگوی دیوان محاسبات و بازرسی مجامع باشیم.» قهره خانی عنوان کرد: «در پایان حسن پور، نماینده سؤال‌کننده اعلام کردند پاسخ‌های وزیر را قانع‌کننده نمی‌دانند، از این رو کمیسیون انرژی مستند به ماده ۲۰۹ آیین‌نامه داخلی قلمرو سؤال را ملی تشخیص داد.» سخنگوی کمیسیون انرژی به سؤال بعدی نماینده مردم سیرجان و بردسیر از وزیر نفت اشاره کرد و گفت: «سؤال فوق در جلسه تاریخ ۱۳۹۵/۶/۷ این کمیسیون با حضور مهندس زنگنه وزیر نفت مورد بررسی قرار گرفت.» وی ادامه داد: «در این جلسه شهباز حسن پور بیگلری نماینده سؤال‌کننده سؤال خویش را بدین شرح مطرح کرد. اصل ۴۴ قانون اساسی که بیانگر چگونگی ارکان و پایه‌های اقتصاد کشور می‌باشد در چند سال اخیر و در پی فرامین مقام معظم رهبری مورد توجه خاص قرار گرفته چنانکه در دوره نهم مجلس شورای اسلامی کمیسیون خاصی با همین عنوان تشکیل و پیگیری اجرای اصل مربوطه قرار گرفت، لیکن متأسفانه وزارت نفت در اجرای بند ۵ ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی قصور و کوتاهی می‌نماید.» قهره خانی به جواب زنگنه اشاره کرد و توضیح داد: «وزیر در پاسخ ابراز داشت مطابق بند ۵ ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، کلیه شرکت‌ها و سازمان‌های تابعه و وابسته بنگاه‌های اقتصادی دستگاه‌های اجرایی مکلفند به‌منظور شفافیت و رقابت، اطلاعات مالی خود شامل: لیست مدیران و اعضای هیأت مدیره و ترازنامه صورت سود و زیان خود را به سازمان بورس اعلام نمایند.» وی اظهار داشت: «زنگنه همچنین گفت که این موضوع به صندوق‌های بانزنشستگی و رفاه کارکنان صنعت نفت ابلاغ گردیده و صندوق نیز موضوع را به شرکت سرمایه‌گذاری صندوق‌ها ابلاغ کرده است. البته سهام شرکت سرمایه‌گذاری صندوق‌ها در بورس بوده و اطلاعات کامل خود و تلفیق شرکت‌های تابعه آن در بورس موجود است. لازم به ذکر است به‌صورت مجزا به شرکت‌های تابعه نیز ابلاغ شده است که اطلاعات خود را از طریق مدیریت سرمایه شرکت سرمایه‌گذاری صندوق‌های بانزنشستگی به بورس اعلام نمایند که بخشی از شرکت‌ها اقدام و بخش دیگری از شرکت‌ها مراتب اعلام به بورس را در دست اقدام دارند.» سخنگوی کمیسیون انرژی در مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: حسن پور از پاسخ‌های وزیر قانع نشده از این رو کمیسیون انرژی مستند به ماده ۲۰۹ آیین‌نامه داخلی قلمرو سؤال را ملی تشخیص داد. نماینده مردم بردسیر و سیرجان دو سؤال مجزا از بیژن زنگنه داشت که دو سؤال را در قالب یک سؤال در صحن علنی مطرح کرد.



کلیات طرح افزایش شمار نمایندگان در جلسه عصر روز یکشنبه کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس در حالی تصویب شد که روز گذشته خبرگزاری ایلنا خبر داد ۲ نفر به تعداد نمایندگان استان کرمان اضافه می‌شود. دوشنبه بود که عضو هیأت رئیسه کمیسیون امور شوراهای مجلس از تصویب کلیات طرح افزایش تعداد نمایندگان مجلس به ۳۳۰ نفر در

افزایش تعداد نمایندگان استان کرمان در مجلس یازدهم ۱۲ نماینده دارد

قانون هر ۱۰ سال یکبار بر اساس میزان جمعیت، موقعیت سیاسی و جغرافیایی، تعداد نمایندگان مجلس حداکثر ۲۰ نفر می‌تواند افزایش یابد، افزود: «نمایندگان اصرار دارند موضوع افزایش تعداد نمایندگان مجلس در همین سال اول دوره دهم پارلمان تعیین تکلیف شود، در نشست کمیسیون، کلیات این طرح به تصویب رسید و مقرر شد طرح مذکور به مدت ۴۵ روز مسکوت بماند تا دولت در این زمینه لایحه‌ای را با در نظر گرفتن جزئیات طرح مجلس تهیه کرده و برای طی مراحل قانونی تقدیم پارلمان کند.» روز گذشته اما خبرگزاری ایلنا خبر داد که ۲ نفر به تعداد نمایندگان استان کرمان در مجلس اضافه می‌شود. این خبرگزاری نوشت: تعداد افزایش نمایندگان مجلس در دوره آینده به این شرح است: خوزستان ۳ نماینده، آذربایجان شرقی، اصفهان،

آن در آذرماه سال ۷۸ پایه‌ای شد برای برگزاری انتخابات مجالس ششم، هفتم و هشتم با مبنای حضور ۲۹۰ نفر از نمایندگان مجلس، اما در ادامه دولت احمدی‌نژاد که باید لایحه مشابهی را برای افزایش تعداد نمایندگان از ۲۹۰ به ۳۱۰ نفر در سال ۸۸ به مجلس ارائه می‌کرد با تأخیری دوساله، این لایحه را عازم بهارستان کرد. مجلسیان با لایحه اصلاح جداول حوزه‌های انتخابیه مجلس و افزایش تعداد نمایندگان بر این عقیده که کارشناسی بر روی آن انجام‌نشده و عدالت در تقسیم حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگانی که قرار است در آن‌ها افزایش یابد رعایت نشد، مخالفت کردند به همین دلیل تعداد نمایندگان در دور دهم نیز افزایش نیافت. حال حدود ۲۰ سال از آخرین اجرای اصل ۴۶ قانون اساسی می‌گذرد و باید ۴۰ نفر به تعداد وکلای ملت تاکنون افزوده می‌شد.

سخنرانی منتقدان دولت در رفسنجان ادامه دارد

شهر هاشمی پایگاه منتقدان دولت

رییس دفتر آیت‌الله مصباح یزدی جزو منتقدان همیشگی دولت تدبیر و امید به شمار می‌رود در حالی در رفسنجان به انتقاد از دولت پرداخت که در ماه‌های اخیر این شهر به پایگاه منتقدان دولت تبدیل شده است. سخنرانی‌های انتقادی از دولت در رفسنجان ادامه دارد. یکی می‌رود و دیگری می‌آید. سخنران‌هایی که بعضاً از انتقاد هم پا را فراتر می‌گذارند و علناً به دولت اتهام می‌زنند. مثل صحبت‌های تندى که شامگاه دوشنبه، حجت‌الاسلام حسین جلالی، رییس دفتر آیت‌الله مصباح یزدی (که به سخنرانی‌های انتقادی از دولت تدبیر و امید مشهور است) مطرح کرد. صحبت‌هایی که آن‌قدر تند بود حتی خبرگزاری مهر که بیشتر به منتقدان دولت نزدیک است هم قید انتشار برخی از آن‌ها را زد و تنها خبرگزاری فارس بود که صحبت‌های جلالی را به‌طور کامل پوشش داد. **دولت به بیت‌المال چوب حراج زد!** رییس دفتر آیت‌الله مصباح ابتدا به انتقاد از مذاکره هسته‌ای پرداخت و با اشاره به رفتارهای نا به‌جای آمریکا در قبال ایران در طول تاریخ گفت: «در جریان مذاکرات خود را حقوقدان معرفی کردند و خوش‌بینی و یا بدبینی را در مذاکرات بی‌تأثیر دانستند و به خطوط قرمزی که رهبری ترسیم کردند پایبند نبودند.» آن‌طور خبرگزاری فارس نوشته، جلالی کلماتی چون «تسوها، دلواپسان، عصر حجرى و بی‌سواد را از سوی برخی مسئولان طرفدار مذاکره یادآور



شد که می‌گفتند ما می‌دانیم با دنیا چگونه صحبت کنیم و اظهار کرد: «اگرچه چوب این نتیجه به گوش ملت ایران خورد، اما ای کاش تعطیل کردن صنعت هسته‌ای و خراب کردن آب‌سنگین اراک و از بین بردن ۵۰۰ کیلو اورانیوم ۲۰ درصد و خارج کردن ۱۰ هزار کیلو اورانیوم و ... را می‌گفتند چند هزار دلار است.» او در ادامه اما به دولت و شخص حسن روحانی اتهام وارد کرده است، اتهام «چوب حراج زدن به بیت‌المال» و «باز کردن دروازه کشور به روی دشمن». جلالی گفت «کلیدی که در ابتدای تبلیغات ریاست جمهوری از آن سخن به میان می‌آمد، قفل بیت‌المال را باز کرد و چوب حراج به آن زد، دشمن باز کرد.» او مدعی شد که «بیش از یک سال گذشت، هنوز تحریمی برداشته نشده و یکی از طرفداران مذاکرات هم اذعان دارد که مذاکره یعنی یکی دادن و یکی گرفتن نه اینکه هرچه داریم به‌طرف مقابل بپردازیم.» **از حسن عباسی تا الله کرم و نقوی حسینی** جلالی در حالی این‌گونه در شهر زادگاه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به دولت حمله کرده که این اولین سخنرانی ضد دولت در رفسنجان نیست. تیرماه سال جاری هم جلالی در بجرخد چرخ زندگی مردم هم به دست آوردن دل آمریکایی‌ها باید اعتدال راه بیندازید، اعتدال شعاری است برای پایان یافتن انقلابی گری و این همان چیزی است که آمریکایی‌ها می‌خواهند.» چند روز بعد از جلالی، حسن عباسی به رفسنجان آمد و از دولت انتقاد کرد. مرداد امسال هم حسین الله کرم، عضو شاخص انصار حزب‌الله و منتقد جنجالی دولت، در همایش مدافعان حرم رفسنجان گفته بود «دولت ما معتقد بود چرخ هسته‌ای باید بچرخد چرخ زندگی مردم هم

از این حرف‌ها زیاد زده می‌شود

فرماندار رفسنجان در رابطه با اظهارات تند حجت‌الاسلام جلالی به «پیام ما» گفت: «من صحبت‌های آقای جلالی را نشنیدم.» حمید ملانوری در پاسخ به اینکه چرا سخنرانی منتقدان دولت در رفسنجان زیاد شده، اظهار کرد: «جریان‌های مختلفی در رفسنجان سخنرانی می‌کنند و محافل مختلفی برگزار می‌شود.» وی بابیان اینکه توهین و تهمت را در هر صورتی محکوم می‌کند، اضافه کرد: «من گزارش صحبت‌های آقای جلالی را ندیدم.» فرماندار رفسنجان در پاسخ به این سؤال که آیا حمایت کمرنگ فرمانداری به‌عنوان نماینده دولت از دولت باعث افزایش سخنرانی‌های ضد دولت در رفسنجان نشده، گفت: «حمایت ما از دولت کمرنگ نیست و عملکرد دولت را در جاهایی که باید، ارائه می‌کنیم و اگر لازم باشد، پاسخ برخی اظهارات را می‌دهیم. اما مگر از این دست صحبت‌هایی که شما می‌گویید، در جاهای مختلف زده نمی‌شود؟ از این حرف‌ها زیاد زده می‌شود و مردم باید قضاوت کنند که چه کسی راست می‌گوید و چه کسی دروغ.» برای ملانوری آن بخش از اظهارات جلالی که گفته بود «کلیدی که در ابتدای تبلیغات ریاست جمهوری از آن سخن به میان می‌آمد، قفل بیت‌المال را باز کرد و چوب حراج به آن زد، این کلید دروازه کشور را به روی دشمن باز کرد» را خواندیم و پرسیدیم که به نظر شما این اظهارات دروغ است یا راست که او پاسخ داد: «اصلاً این‌طور نیست.»

نمایندگان دولت باید از دولت دفاع کنند

عضو شورای هماهنگی اصلاح‌طلبان در این رابطه به «پیام ما» گفت: «انتظار می‌رود که متولیان دولت در رفسنجان از دولت تدبیر و امید حمایت کنند.» ابراهیم انوشه افزود: «به‌طوری‌که در استان کرمان خیلی از طرف مسئولان حمایتی از دولت نمی‌شود دیدگاهشان بیشتر توسعه و مسائل اقتصادی است. از همین رو برای دوری از چالش‌های سیاسی، از دولت حمایت چندانی در بحث‌های سیاسی نمی‌شود.» وی بابیان اینکه از فعالان سیاسی حامی دولت هم انتظار می‌رود بیشتر فعالیت کنند، اظهار کرد: «در شورای هماهنگی اصلاح‌طلبان هم همین بحث‌ها را کردیم و دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد، بر همین اساس تا فعلاً حمایت از دولت بیشتر بر دوش رسانه‌ها بوده است.» انوشه با اشاره به انتخابات پیشروی ریاست جمهوری گفت: «عدم‌حمایت از دولت از طرف مسئولان دولتی می‌تواند خود را در انتخابات آینده نشان دهد. به‌رحال نماینده‌های دولت، مدیون این دولت هستند و باید از آن دفاع کنند.»

پیام مردم در انتخابات را باید شنید

نماینده مردم رفسنجان و انار در مجلس شورای اسلامی در خصوص صحبت‌های اخیر حجت‌الاسلام جلالی به «پیام ما» گفت: «بعد از برجام اتفاقات خوب بسیاری افتاده و قرار است اتفاقات بهتری رخ دهد و نمی‌توان دستاورد دولت را زیر سؤال برد.» احمد انارکی محمدی افزود: «منتقدان دولت تریبون دارند و صحبت می‌کنند. اگر قانونی عمل شود، می‌توان برخی افراد را که ادعا می‌کنند و اتهاماتی به دولت می‌زنند، به چالش کشید.» وی بابیان اینکه نباید دیگران به‌جای همه مردم صحبت کنند، اظهار کرد: «بی‌اعتماد کردن مردم به دولت صحیح نیست.» این نماینده در پاسخ به این‌که آیا عملکرد فرمانداری رفسنجان به‌عنوان نماینده دولت را در خصوص دفاع از دولت ضعیف ارزیابی نمی‌کنید، اظهار کرد: «بهتر این است که برای همه گروه‌ها در چارچوب قانون عمل شود. در مورد واکنشی هم که فرمانداری در قبال برخی صحبت‌ها باید نشان دهد، از فرماندار بپرسید.» انارکی محمدی اضافه کرد: «پیام مردم در انتخابات‌های اخیر مشخص است و باید پیام مردم را شنید. چراکه مردم همه بهتر می‌فهمند.» وی در پاسخ به اینکه نظر شخصی شما در رابطه با صحبت‌های مطرح‌شده ضد دولت چیست، گفت: «نباید به دولت اتهام بزنند و توهین کنند. به‌رحال این دولت هم از مردم رای گرفته و هم مورد تأیید رهبری است. نباید با برخی اظهارات امید مردم به دولت را گرفت.»

«کرمان نو» خواب ندارد! WWW.KERMANENO.IR

kermane_no

kermane_no

kermane_no

کرمان نو

اولین پایگاه خبری استان با آژانس اختصاصی عکس

پایگاه خبری کرمان نو با سردبیری: نکیسا خدیویشی

مأموریت روحانی به صالحی و ظریف برای مقابله با نقض برجام

در پی اهمال، تعلل و نقض برجام توسط آمریکا و پیرو تصمیمات شورای عالی امنیت ملی و هیأت نظارت بر برجام، رییس جمهور دستورهای جداگانه ای را خطاب به وزیر امور خارجه و رییس سازمان انرژی اتمی صادر کرد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، متن نامه های جداگانه حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی به «دکتر محمد جواد ظریف» و دکتر «علی اکبر صالحی» به این شرح است: بسم الله الرحمن الرحیم جناب آقای دکتر ظریف وزیر محترم امور خارجه

نظر به این که دولت آمریکا نسبت به اجرای تعهدات خود در برجام تاکنون تعلل و اهمال نموده و با توجه به تمدید اخیر قانون تحریم های ایران از

(آیسا) که جمهوری اسلامی ایران از پیش چنین اقدامی را بعنوان نقض برجام اعلام کرده بود، در اجرای مصوبات شورای عالی امنیت ملی و هیأت نظارت بر اجرای برجام، به وزارت امور خارجه دستور داده می شود نسبت به اجرای مراحل پیش بینی شده در «برجام» برای رسیدگی به موارد نقض، اقدام نموده و دیگر پیگیری های حقوقی و بین المللی لازم را نیز به طور جدی معمول دارد.

مقتضی است گزارش اقدامات را ظرف یک ماه به اینجانب ارائه نمائید. حسن روحانی

رییس جمهوری اسلامی ایران

نامه رییس جمهوری به دکتر صالحی نیز به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای دکتر صالحی معاون محترم رییس جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران نظر به این که دولت آمریکا نسبت به اجرای تعهدات خود در برجام تاکنون تعلل و اهمال نموده و با توجه به تمدید اخیر قانون تحریم های ایران (آیسا) که جمهوری اسلامی ایران از پیش چنین اقدامی را بعنوان نقض برجام اعلام کرده بود، در اجرای مصوبات شورای عالی امنیت ملی و هیأت نظارت بر اجرای برجام، به سازمان انرژی اتمی ایران دستور داده می شود در توسعه برنامه صلح آمیز هسته ای کشور در چارچوب تعهدات بین المللی جمهوری اسلامی ایران، مأموریت های زیر را اجرا نمائید:

۱. برنامه ریزی برای طراحی و ساخت



پیشران هسته ای جهت بهره گیری در حوزه حمل و نقل دریایی، با همکاری مراکز علمی و تحقیقاتی. ۲. مطالعه و طراحی «تولید سوخت» مصرفی پیشران هسته ای، با همکاری مراکز علمی و تحقیقاتی.

مقتضی است طرح و برنامه زمان بندی شده جهت تحقق بندهای فوق را حداکثر ظرف سه ماه به اینجانب ارائه نمائید. حسن روحانی

رییس جمهوری اسلامی ایران

رییس سابق اتاق بازرگانی کرمان و ایران از رفتار دلوایسان انتقاد کرد

طغیان جلال پور

اقتصاد ما کاملاً تأثیرگذار است. وی می گوید: «اینکه امروز ترامپ آمده و شرایط اقتصادی سخت تر می شود را می پذیرم زیرا اعتقاد دارم تغییرات در آمریکا و اروپا بر اقتصاد ما تأثیر می گذارد و این نیست که فکر کنیم اقتصاد ما جدای از اقتصاد دنیا است چرا که معنای اقتصاد یک مجموعه به هم پیوسته است و مسلماً افزایش نرخ ارز، نفت و برخی اتفاقات بین المللی بر روی اقتصاد ما تأثیر خواهد گذاشت. چطور می توانیم بگوییم ترامپ می آید و در حاصل می شود و اقتصاد دنیا تغییر می کند ولی ما تأثیر نمی پذیریم؟ من اعتقاد دارم قبل از ترامپ ابتدا باید در داخل کشور مطلب روشن شده و به یک همفکری، وفای، هم اندیشی، همفکری، یکسان فهمی و نظر کاملاً یکسان نسبت به توسعه و مسائل اقتصادی برسیم و از این طریق می توانیم از بخشی از مزیت های ترامپ استفاده کنیم.»

اختلافات داخلی ما موجب می شود از بحران ها صدمه ببینیم

جلال پور می افزاید: «به نظر من آمدن ترامپ می تواند مزیت های خوبی هم داشته باشد، اما این قدر ما در کشور دچار اختلاف، افتراق و انشقاق هستیم که نه تنها از مزیت بهره نمی بریم بلکه از بحران ها بیشترین صدمه را می بینیم و اگر این اتفاق نظر ایجاد شود نه تنها بحران ها تأثیرگذار

با سوءاستفاده از کلمه نفوذ، سرمایه گذاران را مردود کردند

رییس سابق اتاق ایران به عواملی که به زعم او اجازه بهره برداری کافی از برجام ندادند اشاره می کند و می گوید: «با یکسری تهدیدات و حرکات و رفتاری که خلاف عرف بین الملل و ناشایست بود از جمله بالا رفتن از دیوار سفارت عربستان، آتش زدن برخی برندها در ایران، ممانعت از ورود بعضی سرمایه گذاران، حرف های فراوان و استفاده نا به جا از کلمه نفوذ، در حالی که مقام معظم رهبری به درستی اشاره کردند ولی عده ای به عنوان سلاح آن را بکار گرفتند و با استفاده نادرست و جناحی و کاربرد غلط این کلمه عملاً بسیاری از سرمایه گذاران که باید به ایران می آمدند و حتی سرمایه گذاران ایرانی خارج از کشور را دچار شک و تردید کردند، بنابراین باید گفت قبل از ترامپ از ظرفیت اقتصادی برجام بهره برداری لازم نشد. آقای ظریف در یکی از صحبت ها گفت اگر به برجام از ۱۰۰ نمره عدد ۵ و یا ۹۵ بدهیم مهم این است که از این نمره چه بهره برداری اقتصادی برای کشور شده است و آن نمره عملاً به بهره برداری و استفاده بسته است اما متأسفانه از حداقل های امکان استفاده از برجام برای توسعه بهره گیری نشد.»

پس از ترامپ شرایط اقتصادی سخت تر می شود

او برخلاف برخی تحلیلگران معتقد است آمدن ترامپ بر



پیام ما - غوغای ترامپ. فردی که قبل از انتخابش به عنوان رییس جمهور آمریکا، بارها با برجام به طور علنی مخالفت کرده بود، او حتی تهدید کرده بود که برجام را پاره می کند. اگرچه ترامپ پس از رییس جمهور شدنش سعی کرده کمی معتدل تر صحبت کند اما همچنان در او و مشاورانش مواضع ضد ایرانی و برجام دیده می شود. همین مواضع باعث شده تا این سؤال پیش آید که پس از ترامپ، برجام چه عاقبتی خواهد داشت و با توجه به اینکه معاهده ای بین المللی است، مخالفت های ترامپ چه تأثیری بر برجام خواهد داشت. در این میان محسن جلال پور، رییس سابق اتاق بازرگانی کرمان و ایران که مردادماه امسال به دلیل بیماری تصمیم گرفت عطای حضور در پارلمان بخش خصوصی ایران را به لقایش ببخشد و پس از آن اتاق بازرگانی کرمان را هم به دوستانش سپرد، معتقد است قبل از اینکه ترامپ بتواند

کری کند که ما نتوانیم از برجام سود لازم را ببریم، «با بعضی اتفاقاتی که رخ داد ما پیش از ترامپ هم نتوانستیم بهره برداری لازم را ببریم.» او که سال ها در عرصه اقتصادی فعال بوده و چرخ اقتصاد را خیلی خوب می فهمد، برخی رفتارها از جمله «بالا رفتن از سفارت عربستان و آتش زدن برندها» را از جمله عواملی می داند که اجازه نداده برجام در ایران جواب خود را بدهد. بخشی از گفت و گوی خبرگزاری ایسنا با جلال پور را ادامه بخوانید.

کوتاه نظران برجام را دستاورد جناحی جلوه دادند

جلال پور در پاسخ به سؤالی درباره ریاست جمهوری ترامپ و فرجام برجام می گوید: «از نظر من قبل از آمدن ترامپ هم با بعضی از اتفاقاتی که رخ داد ما در برجام نتوانستیم بهره برداری لازم را ببریم، من اعتقاد داشتم برجام می تواند نقطه خیزشی برای اقتصاد ایران باشد و یک اعتمادبه نفس و امیدآفرینی به سرمایه گذاران داخلی و خارجی

ناطق نوری باز هم قهر می کند؟

مصطفی داننده - عصر ایران

بعد از خرداد ۸۸ که نام ناطق نوری به خاطر پسرش بر سر زبان ها افتاد بازم «شیخ نور» به واسطه پسرش تبدیل به تیتراژ اصلی رسانه ها شد. در آن سال محمود احمدی نژاد از فعالیت های اقتصادی فرزندان ناطق نوری گفت و امسال هم فاضل لاریجانی دست بر روی نام پسران رییس اسبق مجلس گذاشت. فاضل لاریجانی در نامه ای که برای دفاع از خود به دادستان تهران نوشته بود از ناطق نوری و البته احمدی نژاد نام آورد. در نامه او آمده بود: «اکنون مجدداً در پیشگاه ملت شریف ایران تقاضا دارم هم زمان دارایی های نزدیکان آقای محمود احمدی نژاد و دارایی های حاج علی اکبر ناطق نوری و نزدیکانشان و سایر مسئولان نظام که ممکن است شبه ای در دارایی شان وجود داشته باشد مورد بررسی قرار گیرد و اگر ریالی اضافه تر وجود دارد به نفع بیت المال ضبط و ثبت شده و گزارش آن از طریق رسانه های عمومی به اطلاع مردم برسد.» نامه ای که واکنش جدی ناطق نوری را به دنبال داشت.

شیخ نور در سخنانی به دفاع از خود و خانواده اش پرداخت و گفت: «من دو پسر دارم و به آن ها گفته ام که نه در سازمان های دولتی کار کنند و نه فعالیت تجاری داشته باشند. من همین جا اعلام می کنم هرکسی مدرکی از فساد اقتصادی فرزندان یا داماد و سایر بستگان من دارد می تواند آن را منتشر کند. اینکه عده ای فقط حرف می زنند که فلانی یا فرزندان از فلان رانت استفاده کرده اند و مدرکی ارائه نمی کنند، خود نشان دهنده عمق فساد در جامعه است.»

ناطق نوری بعد از مناظره انتخابات سال ۸۸ و روایت رییس جمهور وقت ایران از وضع زندگی ناطق نوری و پسرش، از دوستان اصول گرای خود انتظار داشت تا تمام قامت برای حمایت از او در برابر احمدی نژاد به میدان بیایند، اما اصول گرایان ترجیح دادند که در این دعوا سکوت اختیار کنند تا انتخابات به پایان برسد. این سکوت و سخنان احمدی نژاد باعث شد ناطق نوری که از رفتار راست گرایان در دهه ۸۰ به ویژه بعد از انتخابات سال ۸۴ که برخی از نامزدهای اصول گرا زیر میز وحدت زده و از شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی خارج شده بودند دلخور بود، به نوعی قهر سیاسی کند و مسیر خود را از جریان اصول گرایان جدا سازد و بیش از پیش به جریان اصلاحات و رقابتی دیروز خود نزدیک شود که حاصل آن پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ بود. وحدت ناطق، هاشمی و رییس دولت اصلاحات باعث شد که حسن روحانی با حمایت این سه نفر بتواند با پیشی گرفتن از رقیبای خود بر صندلی کرسی ریاست جمهوری تکیه بزند و پس از هشت سال ایران، شاهد چرخش قدرت باشد.

حالا فاضل لاریجانی از فرزندان ناطق سخن به میان آورده است و اصول گرایان به ویژه اعضای جامعه روحانیت مبارز در برابر آن سکوت کرده اند. شاید در سال ۹۵ ناطق نوری انتظار داشت که اصول گرایان، این بار دیگر به صحنه بیایند و از او در برابر اتهامات دفاع کنند. شاید این سکوت باعث شود شیخ ناطق هرچه بیشتر از اصول گرایان فاصله بگیرد و به جریان اعتدال و اصلاحات نزدیک شود. ناطق نوری برخلاف هاشمی و روحانی که رسماً خطوط خود را با اردوگاه اصول گرایان مشخص کرده اند سعی کرده بود رابطه خود با راست گرایان را حفظ کند اما شاید داستان فاضل لاریجانی و سکوت دوستان باعث شود «شیخ نور» برای همیشه چشمان خود را بر روی محافظه کاران ببندد.

فضای اداری کرمان بسته تر از سایر استانهاست

گزیده اظهارات رییس سابق اتاق بازرگانی کرمان و ایران در رابطه با وضعیت اقتصاد کرمان را در ادامه بخوانید:

* من اعتقاد دارم استان کرمان جز ۱۰ استان و یا بی مهاباتر بگویم جز پنج استانی می باشد که طی ۱۰ سال اخیر در عرصه اقتصادی پیشرفت کرده است.

* کرمان پهناورترین استان کشور و جمعیت آن نسبت به وسعت خیلی کم است اما با این وجود توسعه ای که در سال گذشته در استان کرمان اتفاق افتاده در بسیاری از استان ها رخ نداده است اما متأسفانه فضای اداری کرمان بسته تر، محدودتر و محتاط تر از بقیه استان ها است و من همواره تأکید کرده ام که این فضا باید به سوی پویایی و باز شدن مسیر برای انجام کارها حرکت کند چرا که این نگرانی وجود دارد که برخی سرمایه گذاران بخش خصوصی در کرمان حضور کم رنگی داشته باشند، محدودیت بر نظارت های غلط و عدم نظارت بر عدم پاسخگویی و عدم انجام کار از دلایل اصلی این اتفاق است.

* امروز در استان کرمان هرکسی مانع ایجاد کند حفظ منابع ملی و بیت المال را بهانه می کند و هیچ کس نمی گوید که چقدر موجب عدم توسعه استان شده است؟ من اعتقاد دارم باید یک دوره نظارت بر سازمان های استان کرمان برای انجام ندادن ها و پیشگیری ها انجام شود.

کشت پسته در خارج از کرمان

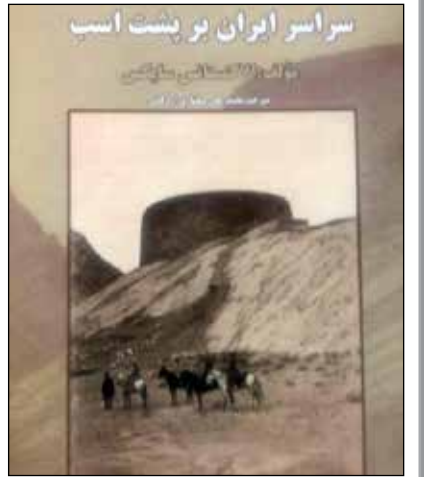
جلال پور در این گفت و گو درباره وضعیت آینده پسته هم صحبت کرده که در زیر گزیده آن را می خوانید:

* به جز سال آینده که سال استثنایی است و اگر از سرما و گرما و آفت عبور کنیم محصول بزرگی خواهیم داشت، در سال های بعد محصول ما هر سال کمتر خواهد شد.

* سال آینده نزدیک ۷۰۰ هزار تن محصول ایران و آمریکا را خواهیم داشت و این محصول در بازارهای جهانی با توجه به قیمت تمام شده، به دلیل بهره روری کم برای ما با قیمت بالایی تمام می شود قابل رقابت نیست با وجود اینکه ما بسیاری از یارانه ها را بر روی حامل های انرژی می گذاریم اما قیمت پسته ما حدود دو برابر قیمت آمریکاست و در کوتاه مدت عدم رقابت و در بلندمدت هم مشکل آب و تولید خواهیم داشت و در این زمینه طی ۱۰ سال آینده کاملاً به بن بست خواهیم رسید.

* طی ۱۰ سال آینده در استان نمی توانیم با این وضعیت آب امیدوار باشیم. بنابراین باید در مناطقی که شرایط آب بهتری دارند به دنبال کشت پسته برویم، در همین راستا انجمن پسته چند سال پیش مطالعاتی انجام داده و خراسان شمالی، کرمانشاه، گیلان غرب و برخی استان های کشور را پیشنهاد کرده است.

کرمان بر پشت اسب



بخش ۱۴

سفرنامه «سراسر ایران بر پشت اسب» نوشته آنا سلیکس خواهر «سرپرستی سلیکس» است. ترجمه این سفرنامه محمدعلی مختاری اردکانی است، آنا به همراه برادرش به جهانگردی پرداخته و اوقات زیادی را در ایران گذراند. یکی از مقاصد این سفر کرمان بود و صفحات قابل ملاحظه ای از این سفرنامه به کرمان گزیده ای از اختصاص یافته است. صفحه کرمون خلاصه با عنوان «کرمان بر پشت اسب» به صورت دنباله دار به شما علاقه مندان تقدیم می کند؛

تمام سبزی ها در بهار می رسند و به زودی در اثر گرمای شدید خورشید تابستان می پژمرد. لوبیا و کاهو فقط حدود سه هفته پیدا می شد و حدود پایان ماه مه (اول خرداد) حتی اسفناج یافت نمی شد. از آن جایی که فصل کدو و خیار سبز هنوز نرسیده بود، تنها سبزی ما برنج بود. چون همه سیب زمینی هایمان تمام شده بود و تا رسیدن محصول پاییزی سیب زمینی نبود. کلم معمولی در ایران کلا سبزی زمستانی است؛ اما در بهار کنگر، نوعی کنگر سفید بسیار شبیه chardon که در فرانسه خورده ام، داشتیم که وقتی در شیر بجوشانند، بسیار عالی می شود. گچ (gatch) قارچ بزرگ خوراکی زرد که همیشه تاس کباب می کردیم و ریواس این سبزی که سفید و بی مزه بود، خیلی با ریواس انگلیسی فرق داشت. به صورت وحشی در کوه های اطراف کرمان می روید و ساقه های آن را هر کس می دید با خاک می پوشاند. ایرانیان دوست دارند آن را خام با نمک به عنوان دسر بخورند.

میوه ها مثل سبزیجات با شتاب می آمد و به سرعت تمام می شد. در فروردین توت های سفید کوچک دمزه می رسید. همه دهات نزدیک کرمان، درخت توت داشتند که محصول زیادی می داد و پیش با افتخار تر از آن بود که به عنوان میوه فروخته شود.

بعد گیلاس، زردآلو و هلو می آمد که از آن مربا تهیه می کردم و آلوچه یک نوع گوجه سبز که بعد از آن با فاصله زیادی به دنبال می آمد. قبل از آن که خربزه، توت سیاه و انجیر و انگور برسد. به ندرت سیب در کرمان دیدم. گلابی های کمی که بود سفت و بی مزه بود. اما به و انار کرمان حرف نداشت. خیلی مربا درست کردم و دریافتم که آلبالو و زردآلو بهترین مربا را دارد. پرتقال، لیمو و لیموترش فهرست را تکمیل می کند. آب لیمو ترش را در بطری می ریزند و در سراسر ایران می فروشند. بهترین آب لیمو از شیراز می آید.

شربت (افشره) نوشیدنی عمده ایران است. خیال می کردم شربت، مرکب از پودر سفید جوشان است که با همان نام در انگلیسی می خوانند؛ اما دریافتم که عصاره میوه است. به نظر من بهترین شربت آن ها، مخلوطی از به و لیمو بود، بیشتر شربت های دیگر خیلی شیرین بود. سنکجنین شربت عام در تابستان است. ترکیبی از شکر، سرکه و ماست و نعنای که بعد از صاف کردن های مکرر به مایع طلائی کمرنگی بدل می شود. ماست که ایرانیان دوست دارند در آن خیار خرد کنند که غذای دیرهضم عجیبی است.

هرگز از سفره آرایی ایرانیان خوشم نیامد. شامل چندین سرگل های بیشمار بود و گذاشتن آن ها روی سفره به صورت الگوهای و گذاشتن غنچه های گل ختمی فرنگی روی خربزه یا گل های سی سانی که قبل از آن که روی میز بگذارند، می پژمردند. چلوکباب یکی از بهترین غذاها بود. تکه های گوشت نرم با چاشنی پیاز روی توده بزرگی از برنج جوشانده قرار می دهند و تخم مرغ خام و کره در بشقاب های جداگانه از مخلفات آن بود. پلو از برنج جوشانده یا قطعاتی از گوشت، بسیار متنوع بود. نخود پلو، کلم پلو، لوبیا پلو بهتر از همه سبزی پلو، زعفران، دارچینی و ادویه های دیگر همیشه با برنج و گوشت مخلوط می شد. کباب سیخ، کتلت گوشت گوسفند که با برگ مو می پزند (دلمه).



دکتر سید ابوالقاسم پورحسینی در یک خانواده مذهبی و پیشه ور در سال ۱۲۹۹ در کرمان به دنیا آمد. در سن یازده سالگی از داشتن پدر محروم شد. به همت مادر و زین نظر حاج شیخ محمد حائری کرمانی به تحصیل علوم تربیتی، اخلاق و فلسفه پرداخت. در سال ۱۳۲۲ به دبیری دبیرستان های کرمان منصوب، طی دوره خدمات فرهنگی

اظهار لطف اولین رییس رادیوی کرمان به صفحه «کرمون»:

عشق و علاقه
لازمه روزنامه نگاری است

یک «خاطره گوئی» جلب کند. پنج شبانه شب بود که سوژه مصاحبه، خودش تماس گرفت. «الو، آقای سیستانی نژاد؟ - بله، بفرمایید! - مظهري کرمانی هستم. من صبح جمعه ساعت ۹ منتظر شما هستم. سال هاست که به واسطه این که همسرم رفسنجانی است و خانواده او در این شهر اقامت دارند، بسیاری از آخر هفته ها را مهمان رفسنجانی ها هستم. قرار برای ساعت ۹ صبح در محلی که ۱۰۰ کیلومتر از من فاصله داشت، با داشتن دلبند یک ساله که صبح را تا دیروقت می خوابد، مقداری سخت بود. احتمال می دادم شاید دیر سر قرار برسم. با لکنت گفتم: «اگر ممکن است ساعت ۱۰ سر قرار باشم.» پاسخ داد: «پس من تا ساعت ۱۰ منتظر شما می مانم. بعد از آن ممکن است بیرون بروم و...»

صبح زود به جاده زدیم. یک جاده کاملاً مستقیم، بیباتنی، قهوه ای و خسته کننده... اوایل مهرماه بود. به کرمان رسیدیم. همسر و فرزندم را به خانه رساندم و به خانه اولین رییس رادیوی کرمان رفتم. همکارم علی اکبرزاده علاقه داشت با او دیداری داشته باشد. او هم آمد. رأس ساعت ۱۰ صبح زنگ در خانه اش را زدیم. به کتابخانه اش راهنمایی مان کرد. قفسه کتاب یک ضلع اتاق را پوشانده بود. عکس هایی از روزگار قدیم نیز در برخی طبقات آن بود. چند عکس قدیمی هم روی دیوار آویزان بود. سخن را آغاز کردیم. آرام و گزیده سخن می گفت. من و مظهري کرمانی صحبت می کردیم. اکبرزاده عکسبرداری می کرد. وقتی که خاطرات اصلی را برای من تعریف کرد. به اتاق دیگری رفت و با یک

یاسر سیستانی نژاد
Yasari@payamema.ir

که قدم در این راه نهاد با کمال صراحت حقایق را بیان می نمود. روزنامه اش زبان گویای مردم دردمند و ستم کشیده کرمان بود. کمبودها و کاستی ها را چه از جانب دستگاه های دولتی و چه از جانب سرمایه داران آن زمان کرمان اعمال می شد، با شهامت و بی پروایی عنوان می کرد. به همین علت بود که مورد بغض و کینه عده ای سود طلب و عناصر پلید و ریاکار قرار گرفت.

حمایت از محرومان و ضعفا را وجهه همت خود قرار داده و با اعتقادی که به این امر داشت، بدون ترس سخن حق می گفت.

این است بعضی از جملات آن روزنامه: «طالب ایرانی هستیم که آزادی و استقلال، به معنای حقیقی، آسایش و امنیت برای همه وجود داشته باشد. همه از سفره گشاده طبیعت به میزان کار و کوشش خود بهره مند شوند. اعیان

و اشراف بر فقرا و ضعفا برتری نداشته باشند و اختلاف طبقاتی از بین برود. چنین محیطی آرزوی ماست. مرام و هدف در راه حصول به این ایده آل تا آن گاه که قلم قوت دهد با یاری خداوند و با منتهای شهامت و عفت قلم مورد نظر ماست و تا آن جایی که حقیقت رهنمون است از اشاعه حق و تنویر افکار عمومی باز نخواهم ایستاد.» اولین سر مقاله روح القدس این طور شروع می شود: «از کجا شروع کنیم. درد یکی دو تا نیست، همه جا بدبختی، مصیبت و غم و اندوه جریان دارد. در همه جا محنت، سختی، عسرت و مشقت حکمفرماست.

ایران مواجه با بلا و فتنه هایی است که غور در آن ها دل هر ایرانی و وطن پرستی را آتش می زند و جای آن قطرات اشک صفحه تاریخ معاصر را سیاه می کند.» در سرمقاله شماره اول سال دوم

چنین نوشته شد: «این هم زندگی شد؟ در بیابان دزد، در دهات دزد، در ادارات دزد، در بازار دزد، آخر این چه معمایی است؟! کسی نیست بگوید: ای اولیای امور، ای بزرگان، ای رؤسا، ای روحانیون، ای تجار، ای کسبه چه خبر است؟ چرا خدا، پیر، پیغمبر، انصاف و عدل را فراموش کردید و حرص و آز را پیشه ساخته اید؟»

سرمقالات روزنامه روح القدس همه به قلم پورحسینی بود و مرتباً خیانتکاران و تجاوزکاران را مورد مؤاخذه قرار می داد و هیچ واژه ای نداشت.

وی روزنامه روح القدس را مدت ۳ سال از اسفند ۱۳۲۴ تا فروردین ۱۳۲۸ منتشر نمود که به صورت هفتگی بود. روزنامه دارای چندین فوق العاده و ضمیمه بود. روح القدس روزنامه ای علمی، ادبی، اجتماعی و فرهنگی بود و به هیچ حزب و دسته ای وابستگی نداشت.



هنرمندش آقای علی اکبرزاده که او هم بعدها دانستم یکی از مردان شایسته رسانه های کرمان است، به خانه ما آمدند و در کتابخانه محقر و کوچک من ساعتی به گفت و گو ایستادیم. البته همان طور که حدس می زد، به هر حال آقای سیستانی نژاد با همه آن که خود را حرفه ای می دانستم، بر اساس آن ضرب المثل معروف مستمع صاحب سخن را بر سر حرف آورد، به تک مضرب ها، سخنانی بیش از خاطرات رادیو از من در آورد و استفاده کرد که شد یک مصاحبه تمام عیار در یک صفحه روزنامه پیام ما که نه مدیرش را تا امروز می شناسم و نه تا آن روز نام یاسر سیستانی و علی اکبرزاده را شنیده بودم. یادشان به خیر باد که برای هر دو سلامتی و موفقیت آرزو می کنم. به خصوص که آقای اکبرزاده عکسی از من گرفته بود و با تصویری که از روزهای اول گویندگی در رادیو کرمان به او داده بودم و تلفیق کرده تصویر جالبی تهیه و به من لطف کرد که هر یک از دوستانم آن را دیدند تعریف کردند و اقرار نمودند کاری جالب و یک تصویر ژورنالیستی است.»

این پیشکسوت عرصه رسانه در بند پایانی یادداشت خود از روزنامه وزین پیام ما که ماحصل زحمات طاق فرسای همکاران من است و هم چنین یادکردی از سرویس کرمون روزنامه و بنده کمترین کرده است. وی پس از لازم شمردن عشق و علاقه در خصوص کار رسانه ای آورده است: «برای خود من این در کرمان اتفاق افتاد که یکی از خبرنگاران روزنامه پیام ما با من تماس گرفت که می خواهد مصاحبه ای با من داشته باشد. لازم است یادآور شوم که پیش تر به یکی از مدیران مطبوعات و همچنین خبرنگار دیگری یادآور شده بودم که نزدیک چهار سال است از سیاست روی گردانم و حاضر به هیچ گونه مصاحبه ای نیستم و آن ها هم با اظهار محبت قبول کرده بودند. راستش این آقای یاسر سیستانی نژاد خبرنگار یا به قولی دبیر سرویس کرمون، غیر از دیگران به نظر می رسید. چرا که ول کن معامله نبود و با ابراز محبت بسیار مرا رها نکرد. تا آن جا که راضی شدم فقط در مورد خاطراتم در ایام خدمت در رادیو با او صحبت کنم. به موقع همراه با دوست عکاس

مسئولی و سردبیری روزنامه نگار با اخلاق «بتول ایزدپناه راوری» یادداشتی به قلم علی اصغر مظهري کرمانی به چاپ رسید. در این یادداشت که عنوان «مطبوعات کرمان» را بر تارک خود دارد، نویسنده ضمن شکوه از دلنگی های دیار غربت، به وضعیت مطبوعات کرمان در روزگار قدیم و جدید می پردازد. تنوع نشریات در استان را می ستاید و از روزگاری که کرمان، تنها دو روزنامه داشت، یاد می کند. پیشینه نویسندگی خود در نشریات کرمان را بازگو می کند.

یاد دکتر ابوالقاسم پورحسینی را گرمی داشته و از موسوی آیت الهی نام می برد. اولین رییس رسانه شنیداری استان در ادامه یادداشت خود، عشق و علاقه را از لوازم کار مطبوعاتی برشمرد و نوشته است: «در رسانه ها بیش از سایر مشاغل علاوه بر تخصص و تجربه ای که باید طی زمان به دست آید، عشق و علاقه ویژه ای لازم دارد تا فردی که بدین کار روی آورده بتواند از بسیاری خواسته هایش صرف نظر کند و گاه از ساعات تفریح و استراحت هم بگذرد تا بالاخره با پشتکار و اغلب با سماجت به نتیجه برسد.»

کرمون و کرمونی ها را دریابیم

خوانندگان و علاقه مندان صفحه «کرمون» کرمونی های قدیمی که در مشاغل مختلف فعال بوده یا هستند را به ما معرفی کنید.



تلگرام @sistaninejad

y.sistani@gmail.com

شماره تلفن: ۳۲۴۷۱۳۹۰ از ساعت ۱۱ تا ۱۸

استانداران کرمان

از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۴ شمسی

برگرفته از کتاب رهگذار عمر/خاطرات و فعالیت های محمد صنعتی

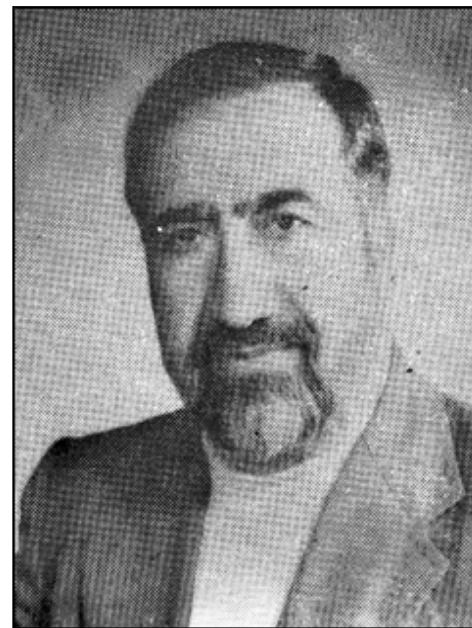
انقلاب اسلامی مجمع استانداران و ... اشاره نمود»

حمید بهرامی احمدی
۱۳۵۸ - ۱۳۵۷ شمسی

پی نوشتها:

(۱) - برگرفته از سایت مجمع استانداران.

عبدالحسین ساوه کرمانی
۱۳۶۰ - ۱۳۵۹ شمسی (۱)



«عبدالحسین ساوه کرمانی فروردین سال ۱۳۱۹ شمسی در شهر کرمان. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاهش (۲)، جهت ادامه تحصیل در رشته شیمی به تهران رفت و پس از اخذ مدرک لیسانس، جهت تدریس در آموزش و پرورش کرمان استخدام شد. وی سالها به عنوان دبیر شیمی در دبیرستانهای کرمان (امیرکبیر، ابن سینا، بهمنیار، فنی خرد، علوی و شریعتی) به تدریس مشغول بود و در سال ۱۳۵۷ شمسی در همان ابتدای حرکت اعتراضیها و همگان با انقلاب، به صورت فعال شرکت داشت و همراه با دیگر دوستان و همکاران، به تظاهرات و اعتصابات فرهنگیان در صحن اداره کل آموزش و پرورش تداوم میبخشید. از این رو با شدت گرفتن اعتراضات، وی به همراه شهید حجت الاسلام حاج علی ایرانمنش و آقای مشارزاده دستگیر و زندانی شدند. اما با نزدیک شدن به روزهای پیروزی انقلاب اسلامی، همگی آزاد شدند. تا اینکه انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ش. به پیروزی رسید و به عنوان اولین مدیر کل آموزش و پرورش کرمان بعد از انقلاب اسلامی معرفی شدند.

آقای ساوه در مرحله اول تا آبان ماه ۱۳۵۸ این سمت را به عهده داشت و در سال ۱۳۵۹ به مدت یک سال (از ۲۶ آبان ۱۳۵۹ تا ۲۶ اسفند ۱۳۶۰) عهدهدار سمت استانداری کرمان گردید. وی در سال ۱۳۶۳ تا دی ماه همان سال بار دیگر به عنوان مدیر کل آموزش و پرورش کرمان معرفی شد.

عبدالحسین ساوه در دوره دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی از شهر کرمان به مجلس راه یافت و پس از اتمام دوره نمایندگی، در وزارت دفاع به سمت معاون اجرایی مدیرعامل و رئیس گروه شیمیایی مشغول به کار شد. مرحوم عبدالحسین ساوه در مهر ۱۳۵۷ ش. پس از ۳۵ سال خدمت، بازنشسته گردید و پس از یک دوره بیماری در سال ۱۳۷۹ ش. در تهران به دیار باقی شتافت» (۳).

پی نوشتها:

(۱) - شایان ذکر است در فترت مابین دوره استانداری آقای غلامعباس زارع میرک آباد تا مرحوم عبدالحسین ساوه، چندی آقای علی اصغر صامت به عنوان سرپرست استانداری کرمان معرفی شد.
(۲) - «... در دوران تحصیل از دانش آموزان با استعداد و مذهبی مطرح بوده است. به طوری که در سال تحصیلی ۳۶ - ۳۵، زمانی که ایشان در کلاس سوم دبیرستان بوده اند، تصویر ایشان به عنوان دانش آموز رتبه اول در سطح استان در سالنامه آموزش و پرورش به چاپ رسیده است.» یوسفزاده، محمود: سیری در تاریخ آموزش و پرورش استان کرمان، ص ۱۰۹.
(۳) - برگرفته از سایت ویکی پدیا.



وی فرزند حسین، متولد ۱۳۲۱ شمسی، رفسنجان. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رفسنجان (مدارس هدایت و اقبال) و همچنین در دبیرستان امام خمینی (پهلوی) کرمان طی نمود و سپس در رشته حقوق در دانشگاه موفق به اخذ دکترا گردید.

وی به عنوان اولین استاندار کرمان پس از پیروزی انقلاب اسلامی از ششم اسفند ۱۳۵۷ تا ۳۰ آذر ۱۳۵۸ عهدهدار این سمت بود. دکتر حمید بهرامی همچنین در انتخابات دوره هفتم از رفسنجان به مجلس شورای اسلامی راه یافت و اکنون نیز به عنوان استاد گروه علوم سیاسی در دانشگاه شهید باهنر کرمان مشغول تدریس است.

غلامعباس زارع میرک آباد
۱۳۵۹ - ۱۳۵۸ شمسی



«وی متولد ۱۳۳۱ ش. دارای مدرک کارشناسی صنایع از دانشگاه صنعتی شریف، از ۱۰ دی ماه ۱۳۵۸ تا ۳۰ مهرماه ۱۳۵۹ به سمت استاندار کرمان منصوب گردید. وی بعدها در استانهای کرمانشاه و اصفهان نیز عهدهدار این سمت بود. از دیگر سمتهای وی می توان به: معاون وزارت کشور، معاون وزارت راه، معاون سازمان صنایع دفاع، معاون بنیاد مستضعفان، رئیس سازمان صنایع و معادن بنیاد مستضعفان، رئیس فدراسیون وزنه برداری، عضو کمیسیون فرهنگی سازمان تربیت بدنی، مدیر بخش اقتصادی شهرک مهدیه قم، رئیس واحد مهندسی حزب جمهوری اسلامی، از مؤسسين و اعضای جامعه اسلامی فرهنگیان، تدریس در دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه آزاد، مرکز آموزش مدیریت دولتی، دانشکده افسری امام علی (ع)، تألیف ۵۰ جلد از اولین کتاب های تست کنکور در سال ۱۳۵۰، هیئت امنای فارغ التحصلان دانشگاه صنعتی شریف، دبیر فارغ التحصلان دانشکده مهندسی صنایع دانشگاه صنعتی شریف، از اعضای مؤسسه خیریه سید الشهداء، از مدیران خیریه مرحوم دکتر جواهریان، از اعضای جمعیت طرفداران ایمنی راهها، از اعضای انجمن ولایت، از اعضای انجمن خیریه طاهها، از اعضای انجمن خیریه فاطمه الزهرا (س)، مؤلف کتاب تاریخ رجال



حمید میرزاده سیرجانی
۱۳۶۴ - ۱۳۶۰ شمسی



«حمید میرزاده، متولد ۱۳۲۹ شمسی در شهرستان سیرجان، تا اخذ دیپلم ریاضی در سیرجان تحصیل کرد و پس از آن در دوره کارشناسی شیمی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۵۲ شمسی فارغ التحصیل شد. وی در سال ۱۳۵۴ شمسی به عنوان دبیر شیمی در دبیرستانهای سیرجان مشغول به کار گردید. در سال ۱۳۵۵ برای ادامه تحصیلات به تهران آمد و در پلی تکنیک تهران برای دوره کارشناسی ارشد مهندسی پلیمر پذیرفته و در سال ۱۳۵۷ فارغ التحصیل شد و از فروردین ۱۳۵۸ به عنوان عضو هیئت علمی در دانشگاه شهید باهنر کرمان استخدام گردید. در سال ۱۳۷۳ موفق به دریافت درجه دکترا در همین رشته از دانشگاه نیو ساوت ولز استرالیا شد.

حمید میرزاده از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۷۶ در سمتهای فرماندار سیرجان، استاندار کرمان، معاون نخست وزیر، معاون اجرایی رئیس جمهور، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه مشغول فعالیت بوده است. در سال ۱۳۶۴ براساس پیشنهاد وی که معاونت اجرایی نخست وزیر وقت را بر عهده داشت، در خصوص لزوم رشد صنایع وابسته به نفت، کمیسیون هماهنگی علوم و تکنولوژی مواد پتروشیمیایی و صنایع پلیمری تشکیل و مسئولیت ایجاد هماهنگی برای پیشبرد این امر را بر عهده گرفت.

وی تاکنون چند بار به عنوان پژوهشگر نمونه در دانشگاه صنعتی امیر کبیر و پژوهشگاه پلیمر و پتروشیمی ایران و در سال ۱۳۸۷ نیز به عنوان استاد نمونه کشوری انتخاب شد و چندین بار هم از جشنواره های خوارزمی و رازی مفتخر به دریافت جایزه پژوهشگر برتر در زمینه پلیمرهای پزشکی گردیده است.

حمید میرزاده از آبان ۱۳۹۲ ریاست دانشگاه آزاد اسلامی را بر عهده دارد» (۱).

پی نوشتها:

(۱) - برگرفته از سایت ویکی پدیا.



بازدید از مسجد، مدرسه و درمانگاه هوتک وابسته به بنیاد نیکوکاری حضرت سجاد (ع) ۱۳۶۳ ش.

۱- دکتر علی سامزاده ۲- مرحوم ماشاالله رمضان کریم

۳- سید حسین مرعشی (استاندار) ۴- محمد صنعتی

روزنامه وقایع اتفاقیه

روزنامه وقایع اتفاقیه نام دومین نشریه فارسی زبان و روی هم رفته، پس از کاغذ اخبار و روزنامه آشوری زبان زاهر برادری باهراسومین نشریه ایران است. این هفته نامه به دستور میرزا تقی خان امیرکبیر در تهران در دوران ناصرالدین شاه منتشر می شد. نخستین شماره این نشریه هفتگی در ۵ ربیع الاول سال ۱۲۶۷ هجری قمری (برابر ۱۸ دی ماه ۱۲۲۹ خورشیدی و ۸ ژانویه ۱۸۵۱ مسیحی) (سال سوم پادشاهی ناصرالدین شاه چاپ رسید. در این شماره، تصویر شیر و خورشید با جمله یا اسدالله الغالب به شیوه ای خاص طراحی شده بود که واژه الله بالای شیر قرار گیرد. «یا اسدالله الغالب» و همچنین عبارت روزنامه اخبار دارالخلافه طهران در فضای گرافیکی ویژه ای به صورت غیرمتداول خوشنویسی رایج سامان داده شده بود. تأثیرپذیری خط و خوشنویسی نستعلیق از نوآوری های دوره قاجار، در روزنامه وقایع اتفاقیه نیز به نحو چشمگیری نمود می یابد.

انتشار این روزنامه در راستای اهداف امیرکبیر برای انجام تغییراتی بنیادین در ایران به منظور گام برداشتن در مسیر پیشرفت آن کشور تلقی می گردد. اما وی اندکی بعد (سال ۱۲۶۸ ه.ق.) کشته می شود؛ و سرانجام پس از آنکه اداره این روزنامه سالها در دست کسان دیگری افتاد، اداره روزنامه در ۱۲۸۸ قمری، به محمدحسن خان صنیع الدوله (اعتمادالسلطنه)، مترجم دربار، رئیس تازه اداره انطباعات ناصرالدین شاه، و فرزند حاج علی خان حاجب الدوله (قاتل امیر کبیر)، سپرده شد. او هم در عمل، روزنامه جدیدش - روزنامه ایران - را جایگزین این روزنامه که البته آن زمان نامش دیگر وقایع اتفاقیه هم نبود، کرد. آتیازمند منبع

به جز اعتمادالسلطنه، بقیه دست اندرکاران و گردانندگان روزنامه، پیوسته در تغییر بودند. از شماره ۴۷۱ به بعد، این روزنامه با نام روزنامه دولت علیه ایران به چاپ رسید. تعداد صفحه های این روزنامه از چهار تا دوازده در نوسان بود. در این روزنامه، اخبار داخلی شامل خبرهای مربوط به پایتخت (اخبار دارالخلافه)، دربار و سفرهای ناصرالدین شاه، عزل و نصبها و اعطای مقامها، نشانها و امتیازات چاپ می شد. در برخی شماره های آن، اعلان های رسمی دولتی در ورقه ای جداگانه چاپ و همراه روزنامه، توزیع می شد که به آن اشتهازنامه می گفتند. در برخی شمارهها نیز اخبار و رویدادهای شهرستانهای ایران به چاپ می رسید (اخبار ولایات). در بخش اخبار خارجی، بیشتر اخبار مربوط به دگرگونی های سیاسی و اقتصادی کشورهای اروپایی به چاپ می رسید؛ مقالاتی از روزنامه های اروپایی برگرفته می شد و با ترجمه روان فارسی در روزنامه منتشر می شد. بسیاری از این ترجمه ها کار خود صنیع الدوله بود. روی هم رفته روزنامه از زبان نوشتاری ساده ای بهره می برد که تا زمان جنبش مشروطیت در نوشته های این دوره کمتر به چشم می خورد. در بیشتر شماره های روزنامه، صورت قیمت اجناس مورد نیاز مردم به نرخ رسمی دولتی چاپ می شد (نرخ ارزاق)؛ در برخی شماره های آن اعلان فروش کتابهای تازه چاپ شده منتشر می گشت.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برای رایی شماره ۷۰۴-۱۳۹۵/۹۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بم تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای امین نارویی زالی فرزند حبیب الله بشماره شناسنامه ۱۸۰۲ صادره از بیم در ششادنگ باغچه به مساحت ۸۵۵ مترمربع پلاک ۱ فرعی از ۴۱۷۵-۴۱۷۵-۱ اصلی بخش ۲۹ کرمان واقع در بم طاقانی ۳۳ خریداری از مالک رسمی آقای حسین زین الصالحین محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ چاپ نوبت اول: ۹۵/۹/۲۴ تاریخ چاپ نوبت دوم: ۹۵/۱۰/۸ محمد امیری خواه - رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان بم

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم زینب ناصح فرزند حشمت اله مالک ششادنگ پلاک ۱۱۹۲۲ فرعی از ۲۷۸۸ اصلی بخش ۳ کرمان سند مالکیت آن شرح ثبت شماره ۹۹۳۱۰ صفحه ۱۴۵ دفتر ۴۰۴ صادر و تسلیم گردیده و بموجب اسناد رهنی شماره ۲۳۷۹۳-۱۳۹۰/۰۸/۱۳۹۰ و ۲۰۲۷۸-۳۰-۲۳۰۲۳۰۲۳۰ دفترخانه ۱۰۰ کرمان در رهن بانک سپه می باشد. ضمن تسلیم دو برگ استشهاد محلی امضا شده مدعی است سند مالکیت پلاک مزبور بعلت جابجایی مفقود و درخواست سند مالکیت المثبتی نموده لذا باستانداز اصلاح تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت در تاریخ مندرج در ذیل آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک فوق الذکر با وجود سند مالکیت نزد خود می باشد ظرف مدت ده روز پس از انتشار آگهی به اداره ثبت شهرستان کرمان مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نمایند والا پس از مدت مذکور نسبت به صدور سند مالکیت المثبتی اقدام خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۹/۲۴

م ف ۸۸۵ رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۲ کرمان محمود مهدی زاده از طرف، امید صاعد رونوشت: ستاد اجرایی فرمان حضرت امام

خبر

پرونده نرگس کلباسی
روی میز دیپلماسی

آقای ظریف متشکریم



آقای دکتر ظریف متشکریم. این صادقانه‌ترین جمله‌ای است که می‌تواند در خصوص وزیر امور خارجه ایران در دوران صدارتش بیان کرد. وزیری که در اوج مشغله‌های کاری‌اش در سفر به هندوستان به خواسته دختر گرفتار و انسان‌دوست ایرانی در هندوستان پاسخ مثبت داد و انتظار می‌رود نتیجه تلاش دستگاه دیپلماسی ایران: نجات دختر ایرانی از گرداب بی‌عدالتی در یکی از ایالت‌های هندوستان باشد.

به گزارش پایگاه خبری دنیای بانک، نرگس کلباسی اشتزی، دختر ایرانی که برای کمک به کودکان بی‌پناه در یکی از ایالت‌های هندی زندگی‌اش را وقف کرده و در اثر اتهام‌های بی‌اساس گرفتار بی‌عدالتی سیستم قضایی در این ایالت شده، چند روز پیش در کانال تلگرامی‌اش نوشت: خیردار شدم که آقای دکتر ظریف، وزیر محترم امور خارجه در آینده ای نزدیک به هند سفر خواهند کرد. امیدوارم در میان مشغله فراوان کاری فرصتی برای گفتگو درباره پرونده من برایشان فراهم شود. در این مدت مجموعه وزارت امور خارجه و بویژه سفارت و کنسول حیدرآباد بزرگوارانه و مهربانانه نهایت همراهی را با من داشتند و قهرمان این عزیزان هستم و خواهام بود اما آنچه که از شرایط پیداست ظاهراً مقامات هندی در سطح محلی قانون سبیزتر از آن هستند که بر پایه عدالت و انصاف عمل کنند. شاید حضور آقای ظریف آخرین امید من باشد...

و خبر مهم ۱۳ آذر ۹۵ این بود که وزیر امور خارجه کشورمان یکی از برنامه‌های خود را به پیگیری پرونده این دختر ایرانی اختصاص می‌دهد و این نشان می‌دهد که چرا باید بگوییم: آقای ظریف متشکریم. نرگس کلباسی اشتزی با انتشار عکسی از دیدارش با محمد جواد ظریف و سفیر ایران در هند نوشت: بسیار خوشحالم که امروز صبح توانستم با آقای دکتر ظریف، وزیر محترم امور خارجه ایران ملاقات کنم. ایشان به خوبی در جریان پرونده من بودند و مرا می‌شناختند. به ایشان گفتم که کارهای شما را دنبال می‌کنم و تلاش‌هایتان را در رسانه‌ها می‌خوانم و به شما افتخار می‌کنم و ایشان نیز در پاسخ گفتند تلاش شما برای کمک به کودکان و مردم فقیر باعث افتخار ماست و می‌دانم بسیاری از مردم ایران شما را دوست دارند و پیگیر سختی‌های بسیاری که کشیده‌ای ولی همچنان مقاوم هستی. می‌دانم که پرونده من به دادگاه محلی رایاگادا مربوط می‌شود و مجموعه وزارت امور خارجه ایران در دو ماه گذشته تمام تلاش خود را برای کمک به من انجام داده و بیش از این چیزی در اختیار اینها نیست. خواستم شادی خود را از حمایت کشورم و وزیر محترم امور خارجه بیان کنم. ایشان مهربان، فروتن و دوست‌داشتنی هستند و هر چه که در مورد ایشان خوانده و شنیده بودم صدق می‌کند.



دکتر محسن رنائی

حاج آقا فخرالدین کلباسی روحانی جلیل‌القدر، خوش‌بیان، شیک‌پوش و خوش‌فکری که خیلی هم به جدّ مادری من (معروف به «آقا آمن‌الرسول») ارادت داشت، معلم دینی ما در «دبیرستان نمونه» اصفهان بود. آخوندی بود که از مصاحبتش سیر نمی‌شدی. بعدها من با پسرش دکتر حسن کلباسی در دانشگاه اصفهان همکار شدم. دکتر کلباسی که پس از فوت پدرش بر اساس سنت خانوادگی،

بالاجبار معمم شده بود وقتی برای تحصیل دکتری اقتصاد به انگلستان رفت همسرش را در یک بیماری از دست داد. بعد از پایان تحصیل هم که به ایران برگشت عبا و عمامه در آورد و شد مثل همه‌ی آدم‌هایی که «معمولی بودن» را یک ارزش می‌دانند نه «تمتایز بودن». را. خیلی از داشتن «کسوت» و زیر بار «تکلف» ماندن پرهیز داشت. می‌گفت «کسوت» و «تکلف»، روح را زمین‌گیر می‌کند. یکی دو سال بعد از مرگ همسرش، دکتر

به بهانه صدور حکم ناعادلانه نرگس کلباسی، دختر نیکوکار ایرانی در هند

نرگس ما، تنها نیست



مدتی کاربخش Hak@payamema.ir

برای ما انسان‌ها کار نیک زن و مرد نمی‌شناسد و گاهی در همین خودحوالی کسانی را می‌بینیم که در واقع شاید هیچ وقت آنها را ندیده‌ایم. خودش می‌گوید: پدرم به من یاد داد «هر چقدر بزرگ باشی، هر چقدر امکانات داشته باشی، هر چقدر تحصیل کرده باشی ولی اگر نتوانی با مردم باشی و با آنها به خوبی ارتباط برقرار کنی هیچی نیستی».

اما تو بزرگی و عزیز برای همه کسانی که می‌شناسند و نمی‌شناسند. تو با قلب کوچک و مهربان و اراده ای بزرگ و زیبا، کاری کردی کارستان و نشان دادی مهر و محبت چیست؟ نشان دادی عشق فقط در کتاب‌ها و قصه‌ها نیست و هنوز هم می‌توان عاشقانه به زندگی نگاه کرد. وقتی در فروردین ۶۷ در اصفهان به دنیا آمدی، شاید حتی بابا حسن هم نمی‌دانست که خدا چه فرشته‌ای را به او بخشیده، نه! شاید هم می‌دانست و به همین دلیل تو **نرگس ما شدی و بابا حسن ابر قهرمان زندگی ات.**

در روزگاری که ارزش مو برای زنان بسان برگ برای درخت است، نرگس کلباسی موهایش را بر سر یک شرط، از ته می‌تراشید تا ۷۰۰ دلار به دست آمده آن را صرف کودکان یتیم و بی‌پناهان کند و لیخند شیرین را بر لب‌های آنها بنشانند. ۶ سال در حالی که خودش از داشتن پدر و مادر محروم بود، چتر مهروراش را بر سر کودکان محروم هند پهن کرد و آنان را مهربان‌تر از مادر پروراند. کار داوطلبانه‌ای که او در قالب یک انجمن خیریه، برای کمک به فقرا و یتیمان و مخصوص نابینایان هند و منطقه رایاگادا کرد، کم از کار یک مادر برای فرزندش نبود اما چه سود که در پایان کارشکنی‌های آن جا او را در کمال بی‌عدالتی راهی زندان کرد و به جرم یک اتفاق ناخواسته، تمامی زحمات این بانوی عزیز و مقدس را به

باد می‌دهند. در آن حادثه لعنتی یکی از بچه‌ها در یک گردش تفریحی که به همراه خانواده‌های بچه‌های نابینا راهی رودخانه‌ای شده بودند، جان خودش را از دست می‌دهد. مردم نمک‌نشناس آن منطقه، به دلیل فقر فرهنگی و جهالت وی را فقط به جرم «سهیل‌نگاری» در مراقبت از کودک متهم به قتل عمدی می‌کنند. پس از این اتفاق شوم، دادگاه شهر رایاگادا از ایالت اوریسای هند باوجود اینکه مستندات و مدارک خاص و متقنی علیه نرگس وجود نداشت، او را به یک سال زندان و ۳۰۰ هزار روپیه جریمه نقدی محکوم می‌کند و در نهایت متحجب متهمی ردیف دوم، که یک تبعه هندی و بومی همانجا و معاون موسسه خیریه بود را کاملاً تبرئه می‌کند. خلاصه آنچه که روزهای قبل و بعد از دادگاه بر این عزیز هموطن گذشت را از زبان خودش می‌خوانیم؛

صبح ۱۴ مهرماه ۹۵، ایمیلی نامنی که در شهر رایاگادا داشتم و حضور افراد مشکوک در حوالی دفتر بنیاد پریشان مجبور شدی که به همراه همکارانم شهر را ترک کنیم. در طول مسیر متوجه شدیم دو خودرو ما را تعقیب می‌کنند و زمانی که هوا تاریک شد سعی داشتند تصادف ساختگی ایجاد کنند. برای همین مجبور شدیم در بین راه در هتلی توقف کنیم. تعقیب کنندگان تا ساعتی در آنجا بودند و سپس محل را ترک کردند.

گزارش اتفاق دیشب را به رییس پلیس شهر رایاگادا سرکنسول محترم ایران در حیدرآباد ایمیل کردم. امروز پاسخ پلیس را دریافت کردم. برای اولین بار در دو سال گذشته آنها در کمتر از ۲۴ ساعت پاسخ مرا دادند و گفتند از من حفاظت خواهند کرد. هر چند می‌دانم بدون هماهنگی مقامات بالاتر این مهم امکان‌پذیر نیست. در ایمیل همچنین گفته شده بود باید روز پنجشنبه، ۱۵ مهر آقای نوریان

سرکنسول محترم ایران در شهر حیدرآباد به اتفاق یک خانم وکیل به شهر رایاگادا آمدن و در بدو ورود مورد استقبال گرم مقامات پلیس منطقه قرار گرفتند. برایم جالب بود کسانی که سال‌های اخیر زندگی مرا به دو ساعت تبدیل کرده بودند اینگونه در برابر آقای نوریان ابراز احترام می‌کردند. این نشانه خوبی است از اعتبار مقامات سیاسی کشورم ایران در کشور هندوستان. فردا جلسه بعدی دادگاه است و این بار سرکنسول محترم ایران و خانم وکیل در کنارم هستند. فردا نخواهم ترسید. مسیر عدالت طولانی است اما ایمان دارم که راستی پیروز خواهد شد. ۱۶ مهر جلسه دادگاه من بود. فضای دادگاه به واسطه حضور جناب آقای نوریان، سرکنسول محترم ایران در حیدرآباد بطور کلی متفاوت از قبل بود. تاریخ جلسه بعدی دادگاه بیست و یکم (بیست و نهم مهرماه) خواهد بود.

دیروز ۱۷ مهر به دلیل حس نامنی که در شهر رایاگادا داشتم و حضور افراد مشکوک در حوالی دفتر بنیاد پریشان مجبور شدی که به همراه همکارانم شهر را ترک کنیم. در طول مسیر متوجه شدیم دو خودرو ما را تعقیب می‌کنند و زمانی که هوا تاریک شد سعی داشتند تصادف ساختگی ایجاد کنند. برای همین مجبور شدیم در بین راه در هتلی توقف کنیم. تعقیب کنندگان تا ساعتی در آنجا بودند و سپس محل را ترک کردند.

گزارش اتفاق دیشب را به رییس پلیس شهر رایاگادا سرکنسول محترم ایران در حیدرآباد ایمیل کردم. امروز پاسخ پلیس را دریافت کردم. برای اولین بار در دو سال گذشته آنها در کمتر از ۲۴ ساعت پاسخ مرا دادند و گفتند از من حفاظت خواهند کرد. هر چند می‌دانم بدون هماهنگی مقامات بالاتر این مهم امکان‌پذیر نیست. در ایمیل همچنین گفته شده بود باید روز پنجشنبه، ۱۵ مهر آقای نوریان

کمپین حمایت از نرگس کلباسی

نرگس فرزند ماست

کلباسی هم گرفتار بیماری سختی شد (سرطان معده) و ظرف مدت کوتاهی پرواز کرد. من نرگس را تنها یک بار آن هم در مراسم ترحیم پدرش دیدم، اما روزهایی که دکتر هنوز بیمار نشده بود، دائم از نرگس، برای ما می‌گفت. بعد از مرگ دکتر کلباسی دخترش به خارج برگشت و ما دیگر برای سال‌ها از او بی‌خبر بودیم. اما پس از سال‌ها، خبر او را از هند گرفتیم. معلوم شد که چند سال است موسسه‌ای را برای حمایت از کودکان نابینا در یکی از ایالت‌های هند تاسیس کرده است. او برای سفر به هند موهایش را به حراج می‌گذارد و با پولی که از حراج موهایش به دست می‌آورد به هند می‌رود و موسسه‌ای را برای کودکان نابینا تاسیس می‌کند. اکنون موسسه او در کل هند شناخته شده است و حتی در خارج از هند نیز.

امروز به طور تصادفی و از طریق شبکه‌های مجازی متوجه شدم که او در مسیر فعالیت‌هایش به دام فساد نظام اداری و فریبکاری برخی گروه‌های باجگیر هندی گرفتار شده و به مشکلات بزرگی برخورده است. او اکنون با نگارش نامه‌ای به مقامات ایالت اودیسیای هند، از آنان دادخواهی کرده است. او همچنین با تاسیس یک کانال تلگرامی و با راه‌اندازی «طومار آنلاین» از همه یاری‌خواسته است تا بلکه سازمان‌های مربوطه صدای او را بشنوند و از او حمایت کنند.

شرح ماجرای خودش را در کانالی که راه‌اندازی کرده است بخوانید:

https://telegram.me/helpnarges
و در لینک‌های زیر نیز **طومار آنلاین** تظلم خواهی او را **پُر کنید تا صدایش شنیده شود:**
https://goo.gl/8BzDRd
https://www.change.org/p/chief-minister-of-odisha-naveen-patnaik-foreigner-accused-of-murder-stop-this-inhumane-treatment-of-narges-utm_&597439661=k-ashtari?recruiter_source=share_for_starters&utm_medium=copyLink

در کلیپ زیر نیز گوشه‌ای از فعالیت‌های **بشردوستانه او را ببینید:**

https://telegam.me/helpnarges/17
از همه ایرانیان سراسر دنیا که می‌توانند او را به هر نوعی یاری کنند، به ویژه از حقوقدانان، درخواست می‌کنم به یاری او بشتابند. از مقامات سفارت ایران در دهلی نیز درخواست می‌کنم او را دریابند و از هیچ کمکی به او دریغ نکنند.

نرگس فرزند ماست؛ نرگس نماینده ماست، نرگس انعکاس روح نیکخواهی بدون مرز ماست. او را تنها نگذاریم.



که حدوداً معادل بیست میلیون تومان می‌شود. تنها راه، اعتراض به حکم صادر شده است که روند دادرسی ممکن است یکسال، شاید کمتر یا بیشتر طول بکشد. هر چند با این سیستم فاسد مافیایی نمی‌دانم امیدی به تجدید نظر هست یا خیر... امروز زمانی که ناراحت بودم فیلمی از بچه‌هایم دیدم. به شدت دلتنگشان هستم. شش سال زمان کمی برای بودن با آنها بود... امیدوارم در زندگیشان موفق باشند و به یادمان باشند... رایاگادا نه تنها زندگی مرا خراب کرد که به این بچه‌های معصوم هم ظلم کرد...

نمی‌دانم چرا با من چنین کردند...

بعد از این حکم، عده زیادی از مقامات کشرمان و ایرانیان مقیم سراسر جهان با نرگس ابراز همدردی کردند و برای رفع مشکل او اعلام آمادگی کردند. از این جمله می‌توان به ورود چندباره محمدجواد ظریف به این پرونده، نمایندگان اسفهان در مجلس شورای اسلامی، دانشجویان ایرانیان مقیم ونکوور کانادا، تعدادی از اهالی ایالت پنجاب هند، تعداد زیادی از هنرمندان ایرانی و ... اشاره کرد. ضمن اینکه یک شهروند ایرانی مقیم سئول در کره جنوبی هزینه جریمه نقدی دادگاه و یک نیکوکار اصفهانی نیز هزینه‌های دستمزد وکلای پرونده تجدید نظر را پذیرفته است.

در هر حال امیدواریم روند به گونه‌ای پیش برود که در آینده ای نزدیک خبر آزادی نرگس ایرانیان را از همین جا به اطلاع همه برسانیم.

بر عهده ایشان بوده است. □ در روز حادثه پدر کودک به عنوان مدیر مرکز و مادر کودک به عنوان کارمند مرکز (آشپز) در محل حادثه حضور داشتند. □ پیشنهاد رفتن به اردو از سوی پدر کودک مطرح شد و ایشان دو ساعت قبل از من برای پیدا کردن محل مناسب به آنجا رفته بود.

□ جسد کودک هیچگاه پیدان شد و من و همکارم به هیچ وجه این حادثه را مشاهده نکردیم و بر همین اساس همیشه شک داشته‌ام که این اتفاق افتاده باشد! □ وقتی قطعات این پازل را کنار هم بگذارید به خوبی متوجه می‌شوید که انگیزه‌های دیگر سبب ایجاد و ادامه پیدا کردن این پرونده شده است زیرا بر فرض صحت ماجرا، نقش و مسوولیت شغلی شاک (پدر کودک) از من به مراتب بیشتر بوده است. امروز ۲۸ آبان و پس از برگزاری ۱۲ جلسه دادگاه، نوبت من رسید تا اسناد مربوط به هیات مدیره بنیاد پریشان و عکس‌های محل حادثه را به قاضی تحویل بدهم اما وکیل گفت ورود عکس‌ها ممکن است مسیر بررسی پرونده را طولانی‌تر کند. برای همین فقط اسناد مربوط به هیات مدیره را به قاضی تحویل دادم.

و سرانجام در ۱۵ آبان ماه احکام من در کمال ناعدالتی صادر شد. باید تا فردا وثیقه تأمین کنم تا بتوانم فعلاً آزاد باشم. جریمه زندان قابل تبدیل به پول نیست. علاوه بر یک سال زندان به پرداخت سیصد هزار روپیه جریمه محکوم شده‌ام

سیزده اکتبر برای تعیین تکلیف مرکزی که برای کودکان نابینا ساخته‌ام به پلیس مراجعه‌کنم! گرفتن خانه‌ها همان دلیل اصلی ایجاد این پرونده علیه من است. مافیای محلی خانه‌اولی که برای دختران یتیم ساخته بودم را از من گرفتند و الان چشم به خانه دوم دارند. ۲۰ مهر ایمیلی از یک وکیل حامی حقوق بشر در ایالت اودیسا دریافت کردم که گفته بود حاضر است بطور رایگان وکالت مرا قبول کند. فردا قرار است او را ملاقات کنم. بیش از آنکه از ملاقات او خوشحال باشم از این خوشحالم که هنوز انسانهای خوب وجود دارند.

امروز ۲۴ مهرحالم خیلی بهتر بود، اینجا احساس امنیت می‌کنم. چون با جناب آقای انصاری، سفیر محترم ایران در هندوستان و آقای خالقی، سرکنسول محترم ایران در مومبای (بمبئی) تلفنی صحبت کردم. خیلی گفتم و گوی خوبی بود و قول دادند هر حمایتی لازم باشد انجام می‌دهند.

نکته‌هایی در مورد پرونده قضایی که برای من ساخته‌اند:

□ پدر آن کودک که گفته می‌شود در رودخانه غرق شده عضو هیات مدیره بنیاد پریشان است. در پریشان کلیه تصمیمات توسط یک هیات مدیره هفت نفره اتخاذ می‌شود که من و آن مرد هر کدام یک عضو آن هستیم. □ علاوه بر این، پدر آن کودک مدیر مرکز نگهداری از کودکان بی‌سرپرست و نابینا است (همان مجموعه‌ای که در روز حادثه به اردو رفته بودیم). یعنی عملاً مسوولیت حفاظت از کل بچه‌ها



اطلاعات

سکه	
طرح جدید	۱۱,۲۰۰,۰۰۰ ریال
طرح قدیم	۱۱,۴۲۵,۰۰۰ ریال
نیم سکه	۵,۹۶۰,۰۰۰ ریال
ربع سکه	۳,۱۵۰,۰۰۰ ریال
یک گرمی	۱,۹۶۰,۰۰۰ ریال
طلا	
هر گرم طلای ۱۸ عیار	۱,۱۳۰,۴۳۰ ریال
هر گرم طلای ۲۴ عیار	۱,۵۰۶,۹۴۰ ریال
ارز	
دلار آمریکا	۳۹,۱۶۰ ریال
یورو	۴۲,۷۶۰ ریال
درهم امارت	۱۰,۸۸۰ ریال
یوان	۵,۸۹۰ ریال
پوند	۴۹,۳۹۰ ریال
خودرو	
سمند LX	۳۰,۲۹۸,۰۰۰ تومان
رانا LX	۳۳,۳۸۹,۰۰۰ تومان
ویتارا دنده ای کلاس ۵	۱۲۵,۰۱۸,۰۰۰ تومان
سایبا ۱۱۱ SE	۲۰,۹۲۶,۰۰۰ تومان
کیا سراتو دنده ای	۷۵,۸۲۶,۰۰۰ تومان
برلیانس H230	۳۸,۹۵۰,۰۰۰ تومان
لیفان X50	۴۸,۹۰۰,۰۰۰ تومان
جک S5	۸۱,۹۰۰,۰۰۰ تومان
MVM ۵۵۰	۵۳,۴۶۲,۰۰۰ تومان
آب و هوای کرمان	
امروز	۲ تا ۱۹/نیمه ابری
فردا	۱ تا ۱۸/نیمه ابری



عکس نوشت

دیگر چه فرقی میکنند
که کجای این جهان باشیم
دور باش
اما
نزدیک
من از نزدیک بودن های دور می
ترسم...

احمد شاملو

عکس: مهرداد جعفری

تئاتر

نمایش زن همشو

از دوشنبه ۲۳ آذر ماه در فرهنگسرای کوثر



تاریخ

یکسال پیش چنین روزی

جزییات یک قتل خانوادگی در کرمان و آغاز عملیات اجرایی طولانی ترین تونل انتقال آب خاورمیانه از مهم ترین عناوین پیام ما در چنین روزی بودند



چهاردهمین نمایشگاه لوازم خانگی

تجهیزات آشپزخانه، کالای خواب، حوله
سیستم های صوتی و تصویری، فرش و منسوجات خانگی



ساعت
۲۵ الی ۲۹ بهمن ماه
۱۵ الی ۲۱

آدرس: جاده باغین، مجتمع نمایشگاهی جنوب شرق

www.armanemoaser.ir

دفتر مرکزی کرمان: ۰۳۴ - ۳۲۱۱۷۸۵۲ - ۳۲۱۱۷۸۳۴ - ۰۳۴ - ۳۲۱۱۷۸۳۵ - ۰۳۴
تلفن همراه: ۰۹۱۲۵۸۳۸۴۹۴ - ۰۹۰۳۳۳۳۸۴۹۴

آب، ضرورت امروز، ضمانت فردا



اطلاعیه

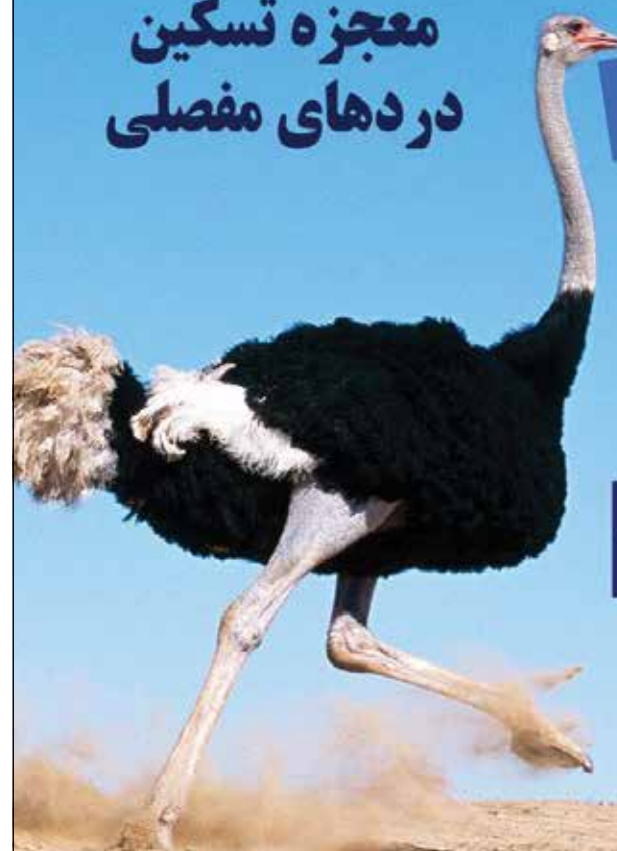
شرکت آب و فاضلاب استان کرمان

شهروندان محترم سراسر استان جهت اعلام گزارش اتفاقات آب و یا هرگونه شکایات و پیشنهادات در خصوص مسائل آب و فاضلاب، صرفاً با شماره تلفن ۱۲۲ تماس حاصل فرمایید.

مدیریت روابط عمومی و آموزش همگانی

روغن خالص شترمرغ

معجزه تسکین دردهای مفصلی



- رفع و بازکننده چین و چروک
- رفع لکه جوش و جای جوش
- ترمیم زخم و جای زخم
- ترمیم ترک شکم و پا
- شفاف کننده صورت
- تسکین هرگونه درد

ماسک گیاهی سفت کننده و جوان و شاداب کننده صورت
ماسک زیبایی و لطافت دست رفع کک مک و لکه های قرمز دست
صد درصد گیاهی

برای سفارش مستقیم روغن شترمرغ خالص
و دریافت در محل با شماره
۰۹۳۶-۹۳۶-۹۸۲۷
تماس تماس بگیرید
www.roghanshop.ir



کانال ما را در
تلگرام
دنبال کنید:
@payamema

برای اطلاع از اخبار استان کرمان و دریافت روزانه صفحات روزنامه «پیام ما»
در نرم افزار تلگرام، کانال خبری پیام ما را با آدرس زیر دنبال کنید:
<https://telegram.me/payamema>



پیامک:
۵۰۰۰۲۲۰۳۰۳۴

پیامها

بسیار سفر باید

اگر به دنبال رویاهایمان نمی‌رویم مسبب خودمانیم

صفحه ۱۴



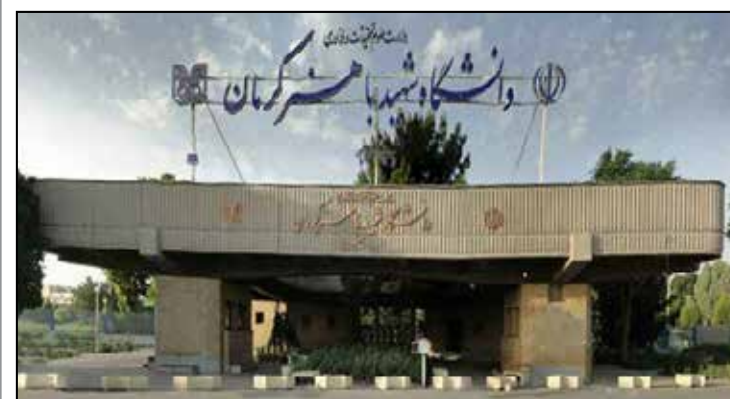
بلک بری تولید دو
دستگاه اندرویدی جدید
را تایید کرد

صفحه ۱۱



به مناسبت روز جهانی سرطان کودکان
دُرناهای کاغذی به
ایران رسیدند

صفحه ۱۵



تاریخ پیدایش و تکوین دانشگاه در کرمان
کرمان و دانشگاه

صفحه ۱۲

موبایل؛ پرستیز یا کاربرد

مطالعه و یا گوش دادن به کتاب ندارید که دل ما و خودتان را شکسته اید اما راه‌های دیگری هم هست تا از گوشی هوشمند استفاده‌ی مناسب و خوبی بکنید مثل وبسایت‌های آموزش آنلاین و رایگان که در زمینه‌های مختلفی مشغول به ارائه‌ی خدمات هستند و شخص نگارنده دوره‌ی اوقات فراغت را با آموزش فتوشاپ در وبسایت‌ها گذرانند و سپس به فنی و حرفه‌ای رفت و بدون طی کردن دوره‌ی امتحان دادن گرفت و در حال حاضر مدرک طراحی با فتوشاپ را به لطف همین وبسایت‌ها دارد و خودتان مطلع هستید که مدارک فنی و حرفه‌ای در تمام جهان معتبر هستند و وام‌های اشتغال‌زایی به آنها تعلق می‌گیرد و محسنات زیادی دارند به هر حال تعدادی از سایت‌های آموزش رایگان را در زیر به شما معرفی می‌کنم:

آموزش‌های آنلاین فرادرس به زبان فارسی
پروژه آنلاین فرادرس، منابع آموزشی در زمینه‌های مرتبط با هوش مصنوعی، مهندسی کامپیوتر و مهندسی برق و نیز رشته‌های مهندسی دیگر (شامل عمران، مکانیک، شیمی و ...) را با هدف ایجاد دسترسی آسان، همیشگی و همگانی به دانش آکادمیک و تخصصی ارائه می‌کند. این پروژه بهترین پروژه آنلاین آموزشی ایران به انتخاب کاربران را در چهارمین جشنواره وب ایران کسب نماید، اکنون به عنوان بزرگترین دانشگاه آنلاین ایران، آموزش‌هایی را به بیش از ۳۰ هزار دانشجوی عضو خود از کشورهای ایران، افغانستان، و عراق (و اقلیم کردستان) ارائه می‌کند. منابع آموزشی ارائه شده توسط فرادرس شامل ویدئوی تدریس مباحث، و در صورت نیاز ویدئوهای آزمایشگاه (کدنویسی در محیط)، و فایل کدهای شبیه‌سازی می‌باشد.

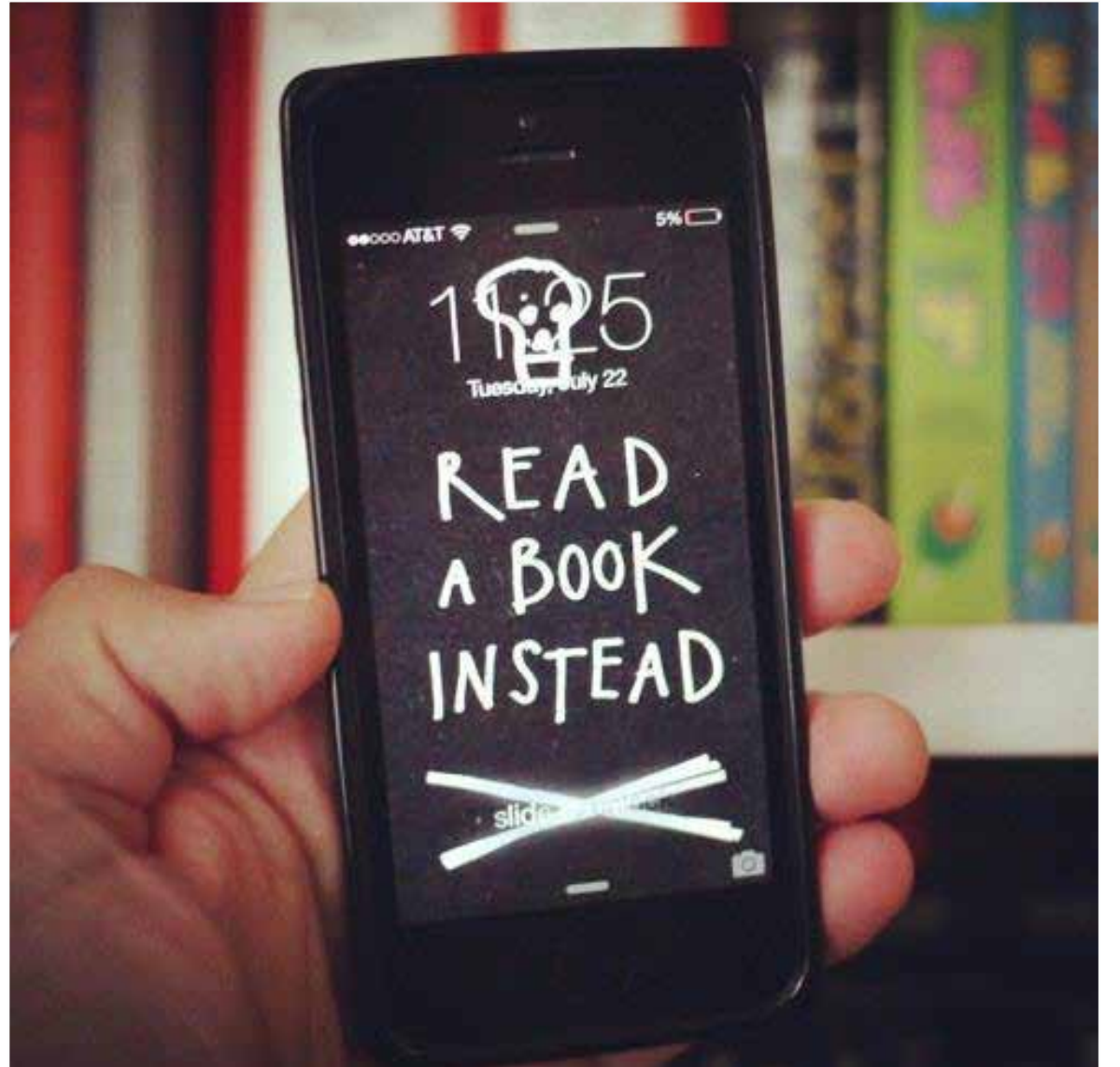
برای بازی و چت کردن در گروه‌های مختلف هزینه‌می‌کنیم اندکی هم به مطالعه وقت اختصاص بدهیم برای نمونه آدرس چند سایت مفید ارائه کتاب را ذکر می‌کنیم:

www.takbook.com
, www.irebooks.com ,
ketabnak.com , www.irpdf.com

اما اگر شما هم جزو آن دسته از دوستانی هستید که علاقه زیادی به کتاب خوانی دارید اما به واسطه‌ی شغل خاصی که دارید و یا فاصله‌ی زیادی که بین محل کار تا منزل پیش رو دارید نمی‌توانید مدت‌ها به گوشی خیره بشوید و مشغول به کتاب خواندن باشید، راه حل جالبی هست و آن هم کتاب گویا و یا همان کتاب صوتی است که در ابتدا این کتابها را برای روشن‌دلان تهیه می‌کردند چون که نمی‌شد همه‌ی کتاب‌ها را به نسخه‌ی بریل بدل کرد اما می‌شود همه‌ی کتابها را از رو خواند و فایل صدا را برای دانلود همگان گذاشت اما حالا افراد زیادی هستند که مشتری کتاب‌های صوتی شده‌اند و همیشه مشغول به شنیدن کتاب هستند و به راحتی در حالی که مشغول رانندگی و یا قدم زدن هستند کتابی هم به دانسته‌های خود اضافه می‌کنند، اگر با موفقیت اغفال شده‌اید می‌توانید از این آدرس‌ها به کتاب‌های صوتی مختلفی دسترسی داشته باشید:

<http://audiolib.ir> , <http://avanameh.com> ,
<http://audiobook.irebooks.com> ,
<http://farsibooks.ir/audio-books/persian-audio-books> ,
<http://www.iranpdf.com/category/audio-book>

آدرس‌ها با یک کاما از هم جدا شده‌اند و هر سایت پر از کتاب‌های مختلفی هست که می‌توانید حتی به عنوان داستان شب قبل از خواب گوش بدهید و به یاد کودکی‌ها با داستانی به دنیای رویاها بروید. حال اگر علاقه‌ی آنچنانی به



کردن و از همه‌ی این موارد مهم‌تر کمک به سازمان‌های مردم‌نهاد و غیره اما اگر توجیح‌هایی دارید برای خرید گوشی‌های بزرگ و هوشمند از کمپانی‌های چند ملیتی و خروج ارز از کشور که در پائین نمونه‌هایی از این توجیح‌ها ذکر می‌شود پس وقت آن رسیده که به پیشنهاد‌های ما گوش کنید، به خاطر شغل باید گوشی خوبی داشته باشم که دیگران بدانند در کارم خیلی موفق بوده‌ام یا مردم عقلشان به چشم‌شان است و اگر گوشی آخرین مدلی نداشته باشم فکر می‌کنند با خاک کوچه یکی شده‌ام و اوضاع اقتصادی ام غم‌انگیز است و یا مهمترین گزینه اینکه فلانی چنین گوشی دارد و اگر من م‌تر از این گوشی داشته باشم نمی‌توانم به زندگی ادامه بدهم و مرگ برایم سرحات‌تر است تا کم‌تر از فلانی پول خرج گوشی کردن. پس حالا که وضعیت تا این اندازه اورژانسی شده و راهی به جز خرید گوشی هوشمند با قیمت‌های بالای ۷۰۰ هزار تومان ندارید می‌توانید کارهای مفیدی با این کامپیوترهای جیبی بکنید. برای شروع می‌توانیم کتابهای فراوانی در هر زمینه‌ای که علاقمند هستیم از طریق سایت‌های مختلف تهیه کنیم و بین زمانی که

چندی پیش استیو ورنیاک یکی از بنیان‌گذاران اپل گفت: دنیا پر شده از جاهلانی که گوشی هوشمند دارند. البته اگر استیو ورنیاک را نمی‌شناسید و استیو جابز را خوب می‌شناسید باید این خبر بد را به شما بدهم که زیر رگبار رسانه‌های دروغ‌پرداز و سلبریتی پرست قرار گرفته‌اید. وی در واقع... بگذارید درباره‌ی ورنیاک خودتان سرچ کوچکی بکنید و اینگونه اطلاعاتی که به دست می‌آورید ارزش بیشتری هم برای خودتان پیدا می‌کند، اما برگردیم سر مساله‌ی گوشی‌های هوشمند که به سرعت جامعه‌ی ما را فتح کردند و در حال حاضر کسی نباشد مورد تمسخر و یا ترحم قرار می‌گیرد، حتی اگر از سر انتخاب آگاهانه تصمیم گرفته باشد بر اساس نیازش و توقعی که از گوشی دارد آن را تهیه کند و کسی که فقط مسیج می‌زند و جواب تماس‌هایش را می‌دهد منطقی است که گوشی ساده و ارزانی بخرد و هزینه‌ی اضافی را در راه خیر و یا اصلاً در راه بهبود جنبه‌های دیگر زندگی شخصی هزینه‌کند کارهایی شبیه خرید کتاب و یا تغییر رژیم غذایی و بیشتر به سمت گیاهخواری حرکت

بلک بری تولید دو دستگاه اندرویدی جدید را تایید کرد



به بررسی‌های مختلفی که بر روی این محصول انجام شده و نتایج نه چندان خیره کننده این بررسی‌ها، برای بسیاری از کاربران این قیمت زیادتر از حد معقول است. حتی در رده قیمتی ۵۰ دلار ارزان‌تر از این قیمت، دستگاه‌های هوشمند بسیار قدرتمند و بهتری وجود دارند و همین عامل باعث شده بسیاری افراد به سمت استفاده از Priv و خرید آن کشیده نشوند.

دو محصول جدیدی که قرار است توسط بلکبری معرفی شوند اما همانطور که گفتیم مجهز به سیستم عامل اندروید خواهند بود و نیز یکی از آن‌ها صفحه کلید مجازی مخصوص کمپانی کانادایی بهره خواهد گرفت و مدل دیگر به صورت تمام لمسی است. بر اساس اعلام مدیرعامل بلکبری، این محصولات قیمتی بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ دلار خواهند داشت.

از آنجا که بارها دیده‌ایم این کمپانی استراتژی‌های خود را تغییر داده، جای تعجب ندارد اگر بگوییم امکان معرفی محصولات اندرویدی دیگری به غیر از این دو دستگاه میان رده، توسط این شرکت وجود دارد. واقعا باورش سخت است که بلکبری در دهه گذشته محبوبیت زیادی داشت و به قدری که همانند آیفون‌ها که در حال حاضر همه جا و در همه کشورها حضور دارند، در دست افراد دیده می‌شد. اما ورود تلفن هوشمند اپل در سال ۲۰۰۷ ورق را رفته رفته برگرداند و شرایط تا جایی پیشرفت که بلکبری سهم خود را از بازار تقریبا از دست داد.

اگر دستگاهی مانند Priv در حدود ۵ سال پیش توسط بلکبری عرضه می‌شد، امکان داشت جایگاه کنونی این شرکت بسیار متفاوت‌تر از حالا باشد. چن در مصاحبه ماه نوامبر گذشته با شبکه خبری فاکس گفته بود، با توجه به بازخوردی که از عرضه گوشی هوشمند Priv دریافت کرده‌ایم، باید همچنان در بازار تولید سخت‌افزارهای موبایلی حضور داشته باشیم و این تجارت را ادامه دهیم.

پس از اینکه اولین تلفن هوشمند اندرویدی بلکبری به نام Priv به بازار عرضه شد، حالا مدیرعامل این شرکت، جان چن اعلام کرده که قرار است دو دستگاه اندرویدی دیگر نیز توسط این کمپانی تولید شوند. در ادامه مطلب برای بخش کسب و کار سخت‌افزارهای موبایل بلکبری، مبارزه رنگ حقیقت به خود گرفته است. اگرچه این شرکت سرانجام دست از لجاجت برداشته و تلفن هوشمند Priv را با سیستم عامل اندروید روانه بازار کرد، اما در نهایت میزان فروش این محصول کم‌تر از مقادیر پیش‌بینی شده بود.

با وجود کاستی‌هایی که گوشی هوشمند مورد اشاره دارد، اما حالا مشخص شده که این شرکت می‌خواهد آخرین امیدهای خود را برای ماندن در بازار سخت‌افزارهای موبایلی بیازماید و قرار است دو گوشی هوشمند اندرویدی میان‌رده دیگر را معرفی کند. حالا مدیرعامل این شرکت کانادایی، جان چن، نیز این خبر را تایید و اعلام کرده که دو دستگاه جدید اندرویدی دیگر نیز توسط بلکبری تولید خواهند شد که این دو محصول از نظر قیمت نسبت به Priv ارزان‌تر هستند. البته اگر پیگیر اخبار فناوری باشید حتما می‌دانید که پیش‌تر نیز خبری منتشر شده بود که بیان می‌کرد بلکبری به غیر از Priv چند گوشی هوشمند اندرویدی دیگر را نیز معرفی خواهد کرد. تحلیل‌گران از مدتی قبل شروع به اعلام این موضوع کرده‌اند که بلکبری در بخش تولیدات سخت‌افزارهای موبایلی در حال افول است و بزودی شاهد مرگ این بخش خواهیم بود، و این در شرایطی پیش آمده که بخش نرم‌افزاری کمپانی مورد اشاره، سوددهی خوبی دارد. طی مصاحبه انجام شده توسط The National در امارات، چن اذعان داشته که ممکن است این شرکت قیمت گذاری مناسبی را در مورد Priv اعمال نکرده و با اینکه این محصول یک دستگاه رده بالای اندرویدی محسوب می‌شود اما قیمت ۷۰۰ دلاری آن با توجه

کلیه این اقلام برای هر دوره قابل دانلود بوده و ویدئوهای آموزشی بر روی YouTube و سرویس‌های ویدئویی داخلی نیز قابل دسترسی هستند. فرادرس با بیش از یک هزار ساعت آموزش، عنوان بزرگترین کتابخانه دیجیتال آموزش‌های دانشگاهی کشور را با خود دارد. دوره‌های آموزشی فرادرس در دو بخش رایگان و غیررایگان ارائه شده اند.

آموزش‌های دانشگاه MIT

MIT هرچند در برگزاری کلاس‌های آموزش آزاد رایانه‌ای (منظور OpenCourseWare یا OCW است) اولین دانشگاه نیست، اما ابتکار این دانشگاه بود که ابتدا باعث ایجاد این حرکت در سال ۲۰۰۲ شد. بسیاری از دانشگاه‌های دیگر نیز پس از این زمان، این راه را پیمودند. MIT مباحث درسی را در قالب ۲۱۵۰ درس در زمینه‌های تجارت، مهندسی، ریاضی و علوم به صورت OCW ارائه می‌کند. MIT همچنین آموزش‌های عمیقی در حوزه‌های طراحی، تئوری موسیقی و هنرهای زیبا ارائه می‌دهد. تمام دروس آموزشی MIT در حوزه OCW، شامل تدریس صوتی و تصویری، شبیه‌سازی‌های تعاملی و کتاب‌کارهای آنلاین بوده و دارای تقویم کاری، رئوس مطالب، امتحان و ابزارهای کمکی می‌باشد. MIT همچنین با سازمان‌های زیاد دیگری برای ارائه ترجمه‌ی دروس به هفت زبان همکاری می‌کند. تمام این دروس را می‌توان در قالب یک بسته دانلود کرد.

در پایان راه‌های بسیار زیادی برای استفاده‌ی خوب و مفید از گوشی‌ها هست که ما فقط به چند مورد از آنها اشاره کردیم و همین تلگرام که بیش از چند میلیون ایرانی را به خود مشغول کرده کانال‌های آموزشی فراوانی در خود دارد که از فلسفه گرفته تا امور شبکه و حتی بازاریابی را در آن تدریس می‌کنند و ما امیدواریم مخاطبان فخیم و اهل مطالعه‌ی پیام‌ما موبایل را نه وسیله‌ای مخرب برای چشم و وقت و دانش که وسیله‌ای کمک آموزشی و در آینده‌ی نزدیک کتابخانه‌ی همراه خود بدانند.

تاریخ پیدایش و تکوین دانشگاه در کرمان

کرمان و دانشگاه

آن بازگردانده شود. این اندیشه را در سال ۱۳۴۹ با همسر مهربان و فداکارم بانو فاخره صبا در میان گذاشتم. او همچنان که انتظار می رفت با نهایت خرسندی و تفاهم از آن استقبال کرد و پیشنهاد نمود که برای این منظور شایسته است یک بیمارستان بسازم. من نظر او را بسیار پسندیدم. اما روشن است که یک بیمارستان پس از ساخته شدن و آماده گشتن در مرحله اول نیازمند پزشک و جراح و پرستار و کادر فنی است که باید آموزش های لازم را دیده باشند.

بدین سبب با خود اندیشیدم بهتر است به جای بیمارستان، یک دانشگاه تاسیس کنم که به پایه دانشگاه های معتبر جهان برسد و یک یا چند بیمارستان نیز ضمیمه آن شود. این چنین دانشگاهی ضمناً خواهد توانست دیگر نیازهای علمی کشور را به ویژه تربیت کادر آموزشی شایسته برآورده سازد.

به هر حال فکر تاسیس یک دانشگاه در اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ قطعی شد و همسر من نیز با خرسندی بسیار آن را پذیرفت. زیرا تاسیس دانشگاه که ایجاد

را به اختصار بیان کنم. من اطمینان دارم کسانی که با محیط خانوادگی و پرورشی در سر دارند به یقین می دانند که راه منحصر به فرد برای تعالی و سعادت مردم یک کشور همانان راه دانش و فن است و در آن چه من اکنون خواهم نوشت با من کاملاً هم عقیده خواهند بود.

گر چه من پس از پایان تحصیلات عالی در کشور فرانسه و بازگشت به ایران عمر خود را صرف فعالیت های بازرگانی کرده ام. اما همواره بر این عقیده بوده و اکنون نیز هستم که گردآوری مال برای یک انسان واقعی فقط وسیله ای است به منظور نیل به اهداف عالی انسان و الهی. از این جهت در تمام مدت عمر از ظواهر فریبنده دوری جسته و به یک زندگی بسیار ساده، بی هیچ پیرایه و تکلفی اکتفا کرده ام. من همواره به یاد داشته ام که آن چه با نهایت صداقت و درستی طی ده ها سال تلاش و کوشش به دست آورده ام در واقع متعلق به هم میهنان عزیزم می باشد و باید دیر یا زود به صورتی به صاحبان اصلی

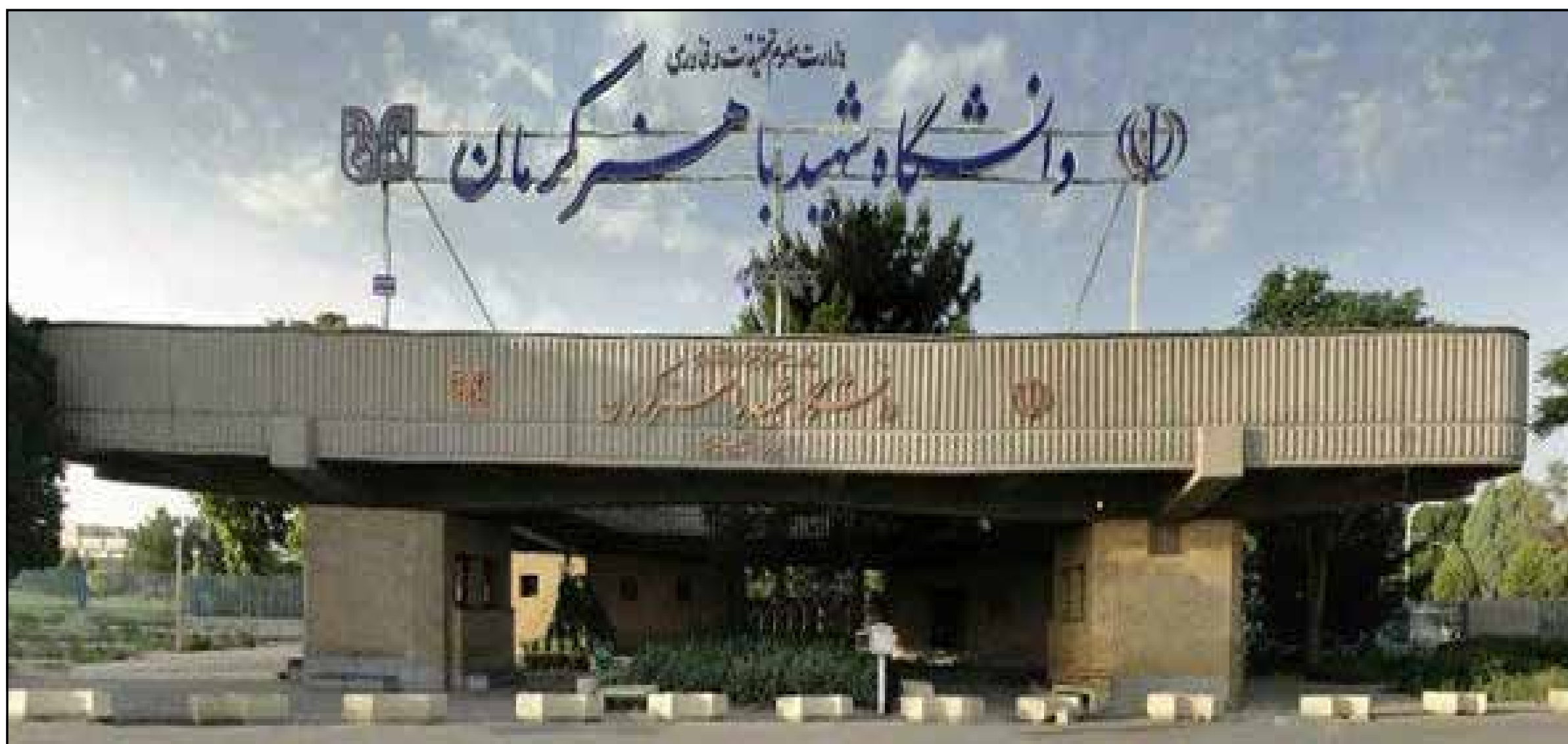
نداریم با تصمیمات ناسنجیده خود، از هم اکنون برای آنان محدودیت ایجاد کنیم. او با این عبارت، یکی مهمترین احکام و پایه های برنامه ریزی، استراتژیک را بیان می کرد که متأسفانه در بسیاری از تصمیم گیری ها و برنامه های استراتژیک نادیده گرفته می شود.

وسعت زمین با بلندنظری و سخاوت در پیش بینی ها، برای محدود نکردن آیندگان تعیین شد و گرچه ۱۰۰ هکتار رافع نیازهای قابل پیش بینی دانشگاه با رشته های مصوبش به شمار می آمد، ولی تامین ۱۰۰ هکتار زمین به صورت قطعی و ۴۰۰ هکتار به صورت ذخیره هدف قرار گرفت تا چنان چه در آینده رشته های دیگر و از جمله علوم پزشکی راه اندازی شود و مجموعه ای از مسائل غیرقابل پیش بینی دیگر رخ دهد توسعه و عملکرد مطلوب دانشگاه با اختلال و اشکال مواجه نگردد.

افضلی پور انگیزه از ساختن دانشگاه را چنین عنوان می کند: «از من مهندس افضلی پور خواسته شده است انگیزه خود را برای بنیان گذاری دانشگاه کرمان

در پی مطالعات و بررسی های چند ساله ای که مرحوم علی رضا افضلی پور، قبل از سال های ۵۰ برای انجام یک نیت خیر و یک کار عام المنفعه انجام داد، به این نتیجه رسیده بود که احداث یک دانشگاه نسبت به احداث یک پروژه های دیگر چون بیمارستان ارجحیت دارد و همچنین تشخیص داده بود که مناسب ترین و مستحق ترین محل برای انجام این نیت خیر شهر کرمان است. وی هم زمان با اقداماتی که جهت اخذ مجوز معمول می داشت، بررسی های کاملی نیز درباره نحوه تهیه طرح ساختمان انجام دادند. از جمله سفرهای متعدد به خارج و بازدید از دانشگاه های جدید الاحداث مذاکره با مسوولین دانشگاه های داخل و خارج و کسب اطلاع از مشکلات اجرایی و اداره یک دانشگاه، مذاکره و مصاحبه با مهندسان مشاور و ذی صلاح داخلی و مذاکره با مسوولین دانشگاه ها را با جدیت و علاقه و دلسوزی خاصی انجام دادند.

مرحوم افضلی پور معتقد بود آینده از آن آیندگان است و ما حق





بیمارستان نیز جزو آن بود با نظر او هماهنگی داشت. آن گاه این پرسش بسیار مهم و اساسی پیش آمد که محل این دانشگان باید در کدام شهر باشد. برخی دوستان پیشنهاد کردند این مرکز علمی در یک شهر کوچک خوش آب و هوا ساخته شود. گروهی دیگر را عقیده بر این بود در یکی از شهرهای بزرگ که دارای دانشگاه هستند دانشگاه دیگری با امکانات و تجهیزات بهتر و بیش تر ایجاد گردد. اما روشن است به علت وضع خاص و جغرافیایی کشور ما و دور بودن محل های تمرکز جمعیت از یکدیگر تاسیس دانشگاه در یک شهر کوچک نمی توانست منظور مرا چنان که باید و شاید تامین کند. از طرف دیگر ایجاد چندین دانشگاه در یک شهر (البته تهران مستثنی است) و بی نصیب ماندن شهرهای دیگر به هیچ وجه منطقی به نظر نمی رسید. این مساله یعنی انتخاب شهری که باید دانشگاه در آن ساخته شود مدت شش ماه مورد بحث و مطالعه من و همسر و برخی دوستان صلاحیت دار بود. سرانجام

در آبان ماه سال ۱۳۵۰ شهر کرمان برای این منظور برگزیده شد. اکنون من سعی می کنم مهم ترین علل این گزینش را بیان کنم. ۱- کرمان یکی از بزرگ ترین شهرهای ایران است. اما فاصله آن تا تهران از شهرهای دیگری نظیر آن بیش تر است و در یک سخن ساده کرمان شهری دور افتاده است. ۲- هیچ یک از شهرهای دارای دانشگاه نزدیک کرمان نمی باشد. ۳- مردم کرمان با آن که بسیار فعال و با استعداد هستند، اما به علت دوری مسافت تا تهران در مقایسه ب اهالی دیگر شهرهای بزرگ از محروم ترین مردم ایران محسوب می شوند. ۴- در اطراف کرمان معادن بسیار بزرگ فلزات مختلف و کانی های دیگر موجودند که می توانند برای دانشجویان و حتی استادان دانشکده های مختلف دانشگاه کرمان میدان وسیع و پربار مطالعه و تحقیق علمی قرار گیرند. ۵- شهر کرمان دارای آب و هوای معتدل است و به علت عدم تراکم جمعیت تهیه زمین بزرگ و کافی برای ساختمان های دانشگاه در آن

چندان دشوار به نظر نمی رسد. به هر صورت پس از آن که انتخاب کرمان برای تاسیس دانشگاه قطعی شد بلافاصله به تهیه مقدمات این امر خطیر پرداختم و با مسوولان مملکتی وارد مذاکره شدم. روز ۲۰ تیرماه ۱۳۵۱ وزارت علوم و آموزش عالی با تاسیس دانشکده های علوم و فنی دانشگاه موافقت کرد. همچنین مقرر شد پس از فراهم آوردن کلیه مقدمات لازم برای تاسیس دانشکده پزشکی دانشگاه، یک سال پس از آغاز ساختمان آن را از وزارت علوم و آموزش عالی مجوز لازم برای این امر کسب گردد. پس از بررسی و تحقیقات لازم، روز ۱۷ دی ماه ۱۳۵۱ قرارداد تهیه طرح ساختمان دانشگاه کرمان با مهندسان مشاور پیراز بسته شد. در اواسط سال ۱۳۵۳ پس از تهیه نقشه های اجرایی لازم و تهیه زمین مناسب به وسعت ۵ میلیون متر مربع زمین ملی که از طرف سازمان جنگل ها و مراتع کشور شعبه کرمان برای ساختمان دانشگاه کرمان تحویل شده بود.

کار ساختمان ها و تاسیسات عظیم دانشگاه آغاز شد. در روز ۲۴ شهریور ۱۳۶۴ کلیه ساختمان هایی که مهندسان مشاور طرح آن ها را تهیه کرده بودند به پایان رسید و در ۲۴ شهریور ۱۳۶۴ طبق سند هدیه و صلح بلاعوض در دفترخانه اسناد رسمی شماره ۴۱ حوزه ثبتی کرمان به مردم شریف کرمان اهدا شد و اسناد آن تحویل جناب آقای دکتر اسدالله رضوی رییس وقت دانشگاه گردید. اینک ذکر این نکته را ضروری می دانم که مهندسان محترم در تمام این مدت همواره با نهایت حسن نیت و کاردانی و دلسوزی و فداکاری همه امور مربوط به ساختمان دانشگاه کرمان را زیر نظر داشته و از هیچ گونه کوشش در این باره دریغ نورزیده اند. من بر خود فرض و واجب می دانم از زحمات و تلاش خستگی ناپذیر کلیه این عزیزان در انجام دادن این وظیفه بسیار مهم میهنی سپاسگزاری و تشکر را صمیمانه ابراز دارم. «
(کرمان و دانشگاه/تالیف دکتر شمس الدین نجمی)

ما اتفاق نیوفتاده که یک ایرانی و علی الخصوص یک کرمانی با ما برخورد بدی بکند در واقع نه تنها برخورد بد که ما حتی بی توجهی هم از کرمانی‌ها ندیدیم و مسیرهایی که هیچ‌هیک می‌کردیم نه تنها به سرعت مردمی که در ماشین‌شان جا داشتند ما را سوار می‌کردند بلکه حتی اگر جا نداشتند ماشین را متوقف می‌کردند و می‌پرسیدند که به کمک احتیاج داریم و یا اینکه چطور می‌توانند به ما کمک کنند و چه چیزی احتیاج داریم تا سفر برای ما بهتر و لذت بخش‌تر بشود و این در حالی است که در ترکیه ما تقریباً برای مردم وجود نداشتیم و هر اتفاقی هم که می‌افتاد کسی کوچکترین مهربانی نسبت به ما نداشت و برخورد مردم ترکیه در مقابل ایران و خصوصاً کرمان اصلاً قابل مقایسه هم نبود. و ما را بیشتر مشتاق کرد که مدت بیشتری را در ایران بمانیم.

صحبت‌های «بن» واقعا ضربه‌ی مهمی به سکون من وارد کرد و دیدم که چطور کمبود اعتماد به نفس بهانه‌های مختلفی را به دست من و امثال من می‌دهد که هر روز بیشتر و بیشتر خودمان را در زندگی روزمره و ملال آور خود غرق کنیم و به جای زندگی کردن صرفاً زنده‌ایم و واقعا اگر همین الان بمیریم در آخرین لحظه چیزی جز حسرت نداریم، حسرت راه‌های نرفته، کارهای نکرده، و عمری را که پای مسائلی هدر کردیم که می‌توانستیم با مسائلی بهتر هم جامعه را از خودمان راضی نگهداریم و هم از زندگی لذت کافی را ببریم و هم به نسل بعد از خودمان بیاموزیم که زندگی هدیه‌ای بسیار گران‌بهاست و نباید این معجزه‌ی نایاب و گران‌بها را به راحتی و ارزانی با وقت گذراندن و ناامیدی و ترس‌های مختلف به خاک ریخت و به جای هنرمندانه زیستن و بازیگر نمایش زندگی بودن صرفاً یک تماشاچی ساده باشیم و دخلتی در روند و چگونگی پیشرفت زندگی خود و جامعه‌ی خود نداشته باشیم و بی‌عملی خود را به گردن سیاست‌مداران و جامعه و خانواده بیاندازیم و به قول معروف نگوییم که کشورم برای من چه کاری انجام داده بلکه بینیم خودمان چه کاری برای کشور انجام داده‌ایم.



بسیار سفر باید

در حاشیه‌ی هم صحبت شدن خبرنگار پیام ما با جهانگردی از آلمان
اگر به دنبال رویاهایمان نمی‌رویم مسبب خودمانیم

هم حل می‌شد و جالب‌ترین نکته این‌جاست که این دوست پس از یک سال و نیم سفرش را به پایان می‌رساند و نه تنها هزینه‌ی آنچنانی نکرده بود که پس انداز خوبی هم فراهم می‌کند و از ماه سوم سفرش هم مشغول نوشتن خاطرات سفر برای وبلاگ یک روزنامه‌ی معروف آلمانی می‌شود و حالا هم نویسنده‌ی ثابت آن نشریه‌است و هنوز هم به سفر مشغول است و کتابی هم به نام سفرهای کافی‌شاپ در دست انتشار دارد که تمام این نکته‌ها روی هم رفته مرا وادار کرد که هر چه سریع‌تر از زندگی روزمره و تکراری خودم فرار کنم و سفرم را شروع کنم. بن در ادامه از مردم ایران بسیار به خوبی یاد کرد و گفت: دو کشور آسیایی برخورد بسیار خوب و مهربانی با من داشته‌اند و واقعا دلم می‌خواهد بیشتر از هر جایی در این دو کشور بمانم یکی هندوستان و دیگری ایران، مردم ایران خصوصاً کرمان بسیار مهربان و مهمان‌نواز هستند و هر چند که من هتل گرفته‌ام و بخاطر اطلاعات غلطی که به من داده بودند فکر می‌کردم اینجا شهر خطرناکی است اما نمی‌خواهم به هتل برگردم و دلم می‌خواهد بیشتر با این مردم زمان بگذرانم، اینجا همه با لبخند با من روبرو می‌شوند و هر کس هر کمکی که از دستش بر می‌آید به من و دوستانم می‌کند و هیچ وقت برای

طبقه‌ی خاصی از اجتماع تعلق ندارد بلکه همه‌ی مردم به راحتی و با هزینه‌ی اندک می‌توانند به سفرهای دور و دراز بروند و روی مهربانی و لطف مردم هم حساب کنند و مطمئن باشند که هیچ وقت لنگ نمی‌مانند. وی از مشوق اصلی خودش در این سفرها چنین یاد کرد: قبل از اینکه به این سفر دست بزنم دلهره و شک و تردیدهای زیادی داشتم تا اینکه با دوستی آشنا شدم که زندگی بسیار خلاق و جالبی داشت، وی برایم روایت کرد که پس از مدت‌ها کافه داری در برلین به این نتیجه رسیده که نیاز دارد برای رهای از درگیری‌های یک رابطه‌ی عشقی و شروعی دوباره در زندگی به سفری طولانی برود و چه سفری برای اهالی اروپا ارزان‌تر و ساده‌تر از تور دور اروپا به واسطه‌ی پاسپورت و هزینه‌ها و زبان و ... خلاصه بعد از مدت‌ها مطالعه و بررسی و به این نتیجه می‌رسد که باید یک ون تهیه کند و با بریدن دیواره‌ی ون آن را شبیه به یک کافی‌شاپ متحرک درست کند و در همان ون هم بساط خوابیدن و استراحت را علم کند و هم درآمدی در سفر داشته باشد و هم ماشینی که بتواند هر از چندی در آن بخوابد و تنها مشکلش مساله‌ی مهمان‌نوازی بعضی از مردم و گاهی اوقات هم خیریه‌ها و کلیساها که موقعیت‌های حمام ارزان و یا رایگان را فراهم می‌آوردند، مشکل بهداشت

اگر به دنبال رویاهایمان نمی‌رویم مسبب خودمانیم این جمله‌ای بود که «بن» یکی از جهانگردهایی که به دیدن باغ شاهزاده آمده بود بعد از ساعتی حرف زدن و گفتن و شنیدن از ایران، سفر و مردم دوکشور گفت. او که مهندسی آلمانی بود و حالا تصمیم گرفته بود که از شغلش جدا شده و به عشقش که سفر بوده پردازد و کم کم با جریان حوادث و اتفاقات برود تا جایی که جهان قایق سرگردانی‌اش را متوقف کند و همان جا بماند وی از تجربیاتش در سفر می‌گفت که هیچ مردمی را نمی‌شود بر اساس تبلیغات رسانه‌ها شناخت و باید بروی و از نزدیک مردم را ببینی، تقریباً هرچه از رسانه‌های مختلف درباره‌ی مردم آسیا شنیده بودم غلط از کار در آمد و دقیقاً نقطه‌ی مقابل آن حرف‌ها بودند.

وی ادامه داد هرچند مردمی مثل اهالی هند فقیر هستند اما به هیچ وجه فیلمی مثل «میلیاردر زاغه نشین» معرفی مردم و جامعه‌ی هندوستان نیست و حتی در مورد کودکان کار و خیابان هم فکر نمی‌کنم آن شرایطی که فیلم به تصویر کشیده‌است واقعیت داشته باشد، اما به هر حال منظور من از این حرف‌ها این است که باید رفت و جهان را دید، برخلاف نظر اکثر مردم سفر کردن امر پر هزینه و گران قیمتی نیست و به هیچ وجه به

وی درباره تعداد کودکان مبتلا به سرطان می گوید: «تا پایان سال ۹۳، ۲۳ هزار و ۲۲۲ پرونده برای کودکان تشکیل داده شد که ۴ هزار و ۳۹۰ نفر از این کودکان، به بهبودی قطعی رسیده و ۱۳ هزار و ۵۸۶ نفر هنوز در مرحله درمان قرار دارند.»

براساس اعلام احمدیان، در سال ۹۳، ۲ هزار و ۷۵ مورد ابتلای جدید به موسسه محک ارجاع شد که این عدد در سال ۹۲، دو هزار و ۱۵ نفر بود که نسبت به سال قبل از آن نشان دهنده افزایش ۳ درصدی موارد جدید ابتلا به سرطان است: «به طور کلی در ۱۰ سال گذشته ما هر سال شاهد رشد ۱۵ درصدی مراجعہ کودکان مبتلا به سرطان هستیم، البته این میزان با سایر

کشورها تفاوتی نمی کند، دلیل این رشد می تواند به دلیل تشخیص بیشتر باشد، البته همه اینها مربوط به آمار موسسه محک است.» با این که موسسه محک تنها بخشی از کودکان مبتلا به سرطان را تحت پوشش قرار داده اما مدیرعامل آن، تأکید می کند که ۹۰ تا ۹۵ درصد کودکان مبتلا به سرطان در کشور تحت پوشش موسسه محک هستند.

حالا موسسه محک با مجموعه اقداماتی که انجام می دهد، توانسته در هفتمین ممیزی استاندارد بین المللی NGO BENCHMARKING رتبه چهارم را در بین ۲۹۹ سازمان غیردولتی در جهان به دست آورد. اما همه‌ی ما می دانیم یک خیریه به تنهایی نمی تواند در مقابل بیماری به این اندازه مهلک که به جان کودکان از جان عزیزتر ما افتاده است بایستد و همکاری و هم فکری همه‌ی ما مردم باید به کمک این موسسه و کلیه سازمان های مردم نهاد بیایند چرا که وظیفه‌ای که این «ان جی او» ها برای خود برگزیده اند، معمولا حتی دولت ها هم به راحتی از پس این وظایف بر نمی آیند. پیشنهاد می کنم اگر انگیزه‌ی همکاری با اینگونه نهادها را دارید اما نگران مسائل مالی هستید، نگرانی را از خود دور کنید و خودتان را به دفتر آن «ان جی او» برسانید چرا که معمولا حتی اگر وقت بگذارید و بتوانید صحیح و اصولی با بچه‌ها بازی کنید و اوقات خوشی را برای بچه‌ها فراهم کنید بزرگترین خدمت را انجام داده‌اید.

به مناسبت روز جهانی سرطان کودکان

دُرناهای کاغذی به ایران رسیدند



آمریکا بر شهر هیروشیما فرود آمد، در زیر مجسمه سادا کو می گذارند. همان گونه که مطلع هستید هنوز هم عواقب بمباران اتمی ژاپن به دست دولت یانکی از بین نرفته اما باید دریافت که چرا و چطور ما صاحب سادا کوها شدیم و سرطان در بین کودکان ما چگونه توانست ریشه بدواند؟ آیا باید در رژیم غذایی مادران و پدران و یا در سبک زندگی امروزی ما دنبال جواب باشیم؟ یا مساله‌ای پشت پرده است که ما از آن بی خبریم؟ به گفته‌ی مدیرعامل موسسه خیریه محک: سالانه ۱۵ درصد به کودکان مبتلا به سرطان اضافه می شود. قرار است برای تشخیص زودهنگام این بیماری، پیش نشانه‌های چهار سرطان شایع در میان کودکان به مردم شناسانده شود، کاری که همزمان با ۲۶ بهمن ماه، روز جهانی سرطان کودکان در شبکه‌های مجازی در حال انجام است. آراسب احمدیان، مدیرعامل موسسه خیریه محک، این را اعلام می کند و می گوید: «قرار است درباره چهار سرطان شایع چشم، استخوان، مغز و خون، اطلاع رسانی شود تا بتوان موارد تشخیص زودهنگام را افزایش داد، این اقدام در قالب یک کمپین در اینستاگرام و سایت محک در حال انجام است.» او به شرایط تشخیص سرطان در کودکان اشاره می کند و به «شهروند» می گوید: «متأسفانه بیشتر این سرطان ها هم در مراحل بالا تشخیص داده می شوند که درمان ها را سخت و پرهزینه می کند و در عین حال کم اثر است.»

۱۹۵۵ در حالی که خانواده اش به دور او حلقه زده بودند، به خواب ابدی فرو رفت. سادا کو در حالی چشم از جهان فرو بست که فقط توانسته بود ۶۴۴ درنا را بسازد؛ اما این پایان رویای او نبود و هم کلاسی هایش ۳۵۶ درنای کاغذی دیگر ساختند تا تعدادشان به همراه درناهای سادا کو به هزار رسید. بعد، همه آن ها را به همراه سادا کو به خاک سپردند. بعد از مراسم تدفین، هم کلاسی های سادا کو نامه هایش را گرد آوردند و آن ها را در کتابی با عنوان کوکی شی (نام عروسک چوبی سادا کو که آن را بسیار دوست می داشت) به چاپ رساندند. این کتاب به سرعت در ژاپن و سپس در سراسر جهان منتشر شد و همه مردم از داستان سادا کو و هزار درنای کاغذی اش آگاه شدند. امروزه با توجه به علاقه سادا کو به ایجاد صلح در دنیا، درناهای کاغذی سادا کو به عنوان نماد بین المللی صلح در دنیا شناخته می شوند. دوستان سادا کو همچنین در سرتاسر ژاپن شروع به جمع آوری پول کردند تا بنای یادبودی برای او بسازند. رویای آن ها خیلی زود به حقیقت پیوست و در سال ۱۹۵۸ در پارک صلح شهر هیروشیما از مجسمه او پرده برداری شد. آن مجسمه، سادا کوست که با بازوانی گشوده، با یک درنای طلایی در دست، بر روی کوهی از سنگ مرمر ایستاده است. به افتخار سادا کو، انجمنی در ژاپن تاسیس شد که هنوز هم همه ساله درناهای کاغذی می سازند و در روز صلح (ششم ماه اوت)، روزی که بمب اتمی

آیا تا به حال این نماد را دیده‌اید؟ منظورم همین درنای کاغذی است که دیروز در تعدادی از بیمارستان های مخصوص بیماران سرطانی مثل بیمارستان شهدای تجریش به تعداد انبوه آویخته شده بود این درناهای کاغذی در بخش های مختلف بیمارستان نصب شده بودند تا بیماران و خصوصا کودکان بدانند که روز جهانی سرطان کودکان از یاد ما نرفته و هر گونه تلاشی برای درمان ایشان انجام می دهیم (گر چشم و هم چشمی و «مدل جدیدش بهتره و دوستش دارم خو» و دیگر حرفهای بازدارنده اجازه ندهند البته).

این درنا داستان غم انگیز اما شنیدنی دارد، این نماد به یاد یکی از قربانیان معروف بمباران هسته‌ای به نام «سادا کو ساساکی» انتخاب شده است، سادا کو در حالی بزرگ شد که به ورزش دو عشق می ورزید. او در مدرسه به عنوان یکی از اعضای ذخیره تیم دو شناخته می شد تا اینکه یک روز سرگیجه او که گاهی به سراغش می آمد شدیدتر شد و او بی هوش بر زمین افتاد. او سپس به بیمارستان صلیب سرخ در نزدیکی محل زندگی منتقل شد و بالاخره در فوریه ۱۹۵۵ بیماری او تشخیص داده و او بستری شد.

با وجود بیماری سختش، نه تنها سادا کو هیچ گاه امیدش به زندگی را از دست نداد، بلکه مایه امیدواری سایر بیماران در بیمارستان بود. یک روز، یکی از دوستان نزدیک او به نام «چی زوکو هاماموتو» که برای ملاقاتش به بیمارستان رفته بود، برای او افسانه هزار درنای کاغذی را تعریف کرد؛ افسانه‌ای ژاپنی که بر اساس آن، اگر شخص بیماری هزار درنای کاغذی بسازد، خداوند آرزویش را برمی آورد و بیماری اش را شفا می دهد. با وجود اینکه سادا کو خود می دانست چند تکه کاغذ بیماری او را بهبود نمی دهد، این افسانه را به فال نیک گرفت و شروع به ساختن درناهای کاغذی کرد و آن ها را به سقف اتاقش در بیمارستان آویخت. سادا کو مدام ضعیف تر می شد و درد به او امان نمی داد اما با این وجود ساختن درناها را تا آخرین روزهای زندگی ادامه داد و توانست ۶۴۴ درنا را با دست خود بسازد. در پایان، سادا کو دوازده ساله، در ۲۵ اکتبر

گزارش «پیام ما» از روش های پیشگیری از ایدز

روبان قرمز مرز نمی شناسد



روبان قرمز نشست و برای چندمین بار برگه ای آزمایش را نگاه کرد. با خود گفت دوباره باید آزمایش بدهم؛ حتما اشتباه شده است. دوباره، آزمایش را تکرار کرده بود. پس فردا نوبت عمل داشت و ایدز یکی از آزمایش های پیش از عمل بود، که می توانست زندگی او را تغییر دهد. وقتی از آزمایشگاه زنگ زدند که باید آزمایش تکرار شود به هر چیزی فکر کرد غیر از این که به ایدز مبتلا شده باشد. اخبار رسیده نشان می دهد که تعداد مبتلایان به ایدز در ایران رو به افزایش است. این زنگ خطری است که همیشه به گوش می رسد، ولی اکنون واضح تر شنیده می شود.

۶۷ درصد انتقال ایدز طریق اعتیاد تزریقی

پروین افسر کازرونی، رییس اداره ی کنترل ایدز و بیماری های آمیزشی وزارت بهداشت در مورد آمار مبتلایان به ایدز به ایسنا گفت: «از سال ۶۷ تا اول مهرماه ۹۴، ۳۰ هزار و ۱۸۳ مورد شناسایی شده که ۶۷ درصد انتقال از طریق تزریقی و ۱۸ درصد از طریق جنسی صورت گرفته است. از میان کل مبتلایان به ایدز در سال ۹۳ نیز، ۴۱ درصد از طریق اعتیاد تزریقی و ۳۶ درصد از طریق روابط جنسی دچار شده اند. همچنین ۱۵ درصد از کل آمار افراد مبتلا به ایدز از سال ۶۷ تا ۹۴ را زنان و ۸۵ درصد را مردان تشکیل داده اند.»

۶۷ درصد انتقال ایدز طریق اعتیاد تزریقی

پروین افسر کازرونی، رییس اداره ی کنترل ایدز و بیماری های آمیزشی وزارت بهداشت در مورد آمار مبتلایان به ایدز به ایسنا گفت: «از سال ۶۷ تا اول مهرماه ۹۴، ۳۰ هزار و ۱۸۳ مورد شناسایی شده که ۶۷ درصد انتقال از طریق تزریقی و ۱۸ درصد از طریق جنسی صورت گرفته است. از میان کل مبتلایان به ایدز در سال ۹۳ نیز، ۴۱ درصد از طریق اعتیاد تزریقی و ۳۶ درصد از طریق روابط جنسی دچار شده اند. همچنین ۱۵ درصد از کل آمار افراد مبتلا به ایدز از سال ۶۷ تا ۹۴ را زنان و ۸۵ درصد را مردان تشکیل داده اند.»

درمان و مراقبت خطر انتقال چندین برابر کاهش پیدا می کند

با وجود اطلاع رسانی ای که در رابطه با ایدز شده؛ آمار نشان می دهد تعداد مبتلایان به آن در ایران رو به افزایش است. ابراهیم رنجبر پزشک درمانگر ایدز و مسوول مرکز مشاوره ی بیماری های رفتاری شهرستان کرمان به «پیام ما» در این رابطه گفت: «انگ و تبعیضی که در ارتباط با این بیماری وجود دارد،

با بیان این که بحث پیشگیری و کنترل اچ آی وی (ایدز) نه به عنوان یک بیماری، بلکه به عنوان معضلی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی مطرح است، پیشگیری و کنترل آن را نیازمند همکاری سایر سازمان ها و بخش های مختلف جامعه عنوان کرد.»

بزرگترین ظلم

با بیان این که بحث پیشگیری و کنترل اچ آی وی (ایدز) نه به عنوان یک بیماری، بلکه به عنوان معضلی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی مطرح است، پیشگیری و کنترل آن را نیازمند همکاری سایر سازمان ها و بخش های مختلف جامعه عنوان کرد.»

اکرم مادر دو کودک به سن ۸ و ۱۲ ساله است و خودش ۴۵ سال سن دارد. همسر او مبتلا به ایدز بوده و فوت کرده است. او به پیام ما گفت: «شوهرم معتاد بود؛ البته من تا سال آخر نمی دانستم که تزریق می کند. هیچ وقت خانه نبود. اکنون به همراه دو فرزندم پیش مادرم زندگی می کنم. هیچ خیری از شوهرم به ما نرسید، هر وقت هم که می آمد، دعوا راه می انداخت و می رفت. من خودم کار می کردم و خرج بچه هایم را در می آوردم. وقتی مُرد، خیلی مریض بود. ظاهراً آنفولانزا گرفته بود؛ اما کلیه هایم هم درگیر شده بودند. قبلاً خودش به من گفته بود که ایدز گرفته است. می ترسیدم که ما را هم مبتلا کرده باشد. بعد از مرگش هر دو فرزندم را به آزمایشگاه بردم؛ خدا رو شکر سالم بودند. جرات این را نداشتم که خودم هم آزمایش بدهم. تا وقتی که جواب آزمایشم آمد،

داشتم دیوانه می شدم. نمی دانم اگر مبتلا بودم، بچه هایم چه می شدند. آن موقع کاملاً حس آن زن های بیگناهی که ناخواسته مبتلا شده بودند را درک می کردم. این بزرگترین ظلم است که به گناه نکرده، تنبیه می شوند. هر روز خدا را شکر می کنم که این مصیبت را از سر گذراندم.

جلوگیری از انتقال ایدز به جنین

رنجبر پزشک درمانگر ایدز در مورد امکان کنترل انتقال ایدز از مادر باردار به جنین به «پیام ما» می گوید: «اگر مادر باردار اچ آی وی مثبت، در طی بارداری هیچ گونه مراقبت و درمانی برای اچ آی وی نگیرد، حدود ۴۰ درصد احتمال ابتلای جنین وجود دارد. در صورت تشخیص بیماری قبل از هفته ی دوازدهم بارداری و مراقبت کامل و دریافت دارو، این احتمال حدود ۱ درصد خواهد بود. ما از سال ۸۹ تا امروز ۹ مورد نوزاد متولد از مادر باردار اچ آی وی مثبت داشته ایم، که هم مادر و هم نوزاد مراقبت کامل دریافت کرده اند و همه ی نوزادان منفی (سالم) بودند.» او در ادامه گفت: «هر چه درمان دقیق تر و کامل تر باشد، یعنی مصرف روزانه و دقیق داروها طبق دستور پزشک باشد باعث کاهش ویروس در بدن بیماران شده و در صورت تماس این افراد با افراد سالم خطر انتقال کم می شود.»

با بیان این که بحث پیشگیری و کنترل اچ آی وی (ایدز) نه به عنوان یک بیماری، بلکه به عنوان معضلی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی مطرح است، پیشگیری و کنترل آن را نیازمند همکاری سایر سازمان ها و بخش های مختلف جامعه عنوان کرد.»

رنجبر مسوول مرکز مشاوره بیماری های رفتاری کرمان، اهداف کلی سازمان کنترل ایدز را درمان و مراقبت می داند که به سه قسمت تقسیم می شود: «الف. شناسایی حداقل ۹۰ درصد موارد مثبت موجود در جامعه ب. اتصال حداقل ۹۰ درصد موارد شناسایی شده به مرکز مشاوره بیماری های رفتار (مرکز مراقبت و درمان ایدز) ج. پایبندی به درمان حداقل ۹۰ درصد افرادی که درمان برای آن ها شروع شده است.»

مراقبت از زنان آسیب پذیر

کازرونی رییس اداره ی کنترل ایدز در رابطه با مراقبت از زنان آسیب پذیر اظهار کرد: «یکی از اقدامات کلیدی سازمان کنترل، گسترش برنامه ی مراقبت از زنان آسیب پذیر به صورت آموزش، مشاوره و توانمندسازی است. این برنامه با همکاری معاونت امور زنان ریاست جمهوری در دست اجراست. در این برنامه ی استراتژیک وزارتخانه ها و سازمان های مختلفی همراهی می کنند. در مراکز سلامت جامع، تمام زنان باردار در زمینه ی ایدز آموزش می بینند و مورد ارزیابی قرار می گیرند و در صورت ابتلا، تشخیص و درمان دارویی آن ها آغاز می شود. با این اقدام، می توان انتقال ویروس را از ۳۰ تا ۴۰ درصد به کمتر از دو درصد کاهش داد.»